

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال ششم

شماره ۶۱ - فروردین ۱۳۸۴ - آوریل ۲۰۰۵

گزارش سیاسی هیات مرکزی
حزب کار ایران (توفان) به
سومین کنگره حزب (۲)

تضاد

امپریالیستها و برتری جوئی امپریالیست

امریکا

تفوق فناوری امپریالیست آمریکا
و تلاش برای حفظ این تفوق

امپریالیست آمریکا حقیقتاً از نظر دانش علمی و تکنولوژیک، بیوشیمی، ژنتیک، فضاوردی، الکترونیک و ریزپردازنده ها، تسلیحاتی و... بر سایر امپریالیستها سر است. تنها حجم فزاینده کسب جوایز نوبل در عرصه های دانش بشری توسط محققین و اندیشمندان آمریکائی که بهترین مغزهای جهان را جذب میکند، دال بر این امر است. ما این پیشرفت تکنولوژیک را در عرصه نظامی و تسلیحاتی نیز شاهدیم. امپریالیست آمریکا بعنوان بی وجدان ترین نیروی ارتجاعی جهان، مخرب ترین، دقیقترین، براترین، غول آسازترین نیروی تسلیحاتی تاریخ بشریت را تهیه دیده است تا از آن با فراغ بال استفاده کند. این امپریالیست بدون واهمه برای آزمایش اختراعات و ساخته های خود و بررسی نتایج این اختراعات از انسانها به عنوان خرگوش آزمایشگاهی در سطح وسیعی استفاده میکند. بکار بردن سلاحهای ضد انسانی در تجاوز به یوگسلاوی، افغانستان و عراق زنده ترین...
بقیه در صفحه ۲

مصاحبه‌ی هیات تحریریه‌ی "توفان" با رفیق مزدک مجلسی در مورد چگونگی شرکت حزب ما در یک گردهمایی بین المللی

درباره‌ی اهداف این گردهمایی پرسیدید؟ برای پاسخ به آن به من اجازه بدهید تا کمی "پرحرفی" کنم و بدواً درباره‌ی حجم کار و اهمیت نشست‌های سراسری کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان‌های م - ل جهان نکات لازمی را به اطلاع خوانندگان "توفان" برسانم - درباره‌ی طرز کار و اهداف کنفرانس به طور کلی و پس از آن می‌رسیم به ویژه‌ی گردهمایی اخیر - که خیلی مهم است. خلاصه می‌گویم. در این نشست‌های سراسری بیان کار کنفرانس در فاصله‌ی دو گردهمایی سالانه - به قول معروف: از سیر تا پیاز! مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد - که خود نوعی حسابرسی جمعی... بقیه در صفحه ۴

پیام نوروزی نوروز مبارک باد!

باردیگر نوروز تازه ای فرا میرسد. نوروزی که در اثر سیاستهای رژیم مستبد و غارتگر جمهوری اسلامی، اکثریت مردم شریف و زحمتکش ایران نمی‌توانند جامه نو بپوشند و خود را با نو نوارکردن طبیعت هماهنگ سازند. سالی نو و نوروز تازه ای که سفره اکثریت مردم ایران از برکت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی خالی تر از گذشته است و وضعیت اقتصادی مردم نه تنها به بهبودی... بقیه در صفحه ۶

گزارشی از سفر بوش به شهر ماینس

نفرت مردم اروپا از امپریالیست آمریکا

در روز ۲۳ ماه فوریه رئیس جمهور آمریکا به شهر ماینس در آلمان فدرال وارد شد. مردم آلمان به ویژه مردم شهر ماینس با نفرت فراوان از حضور چنین مهمان نا خوشآیندی یاد کردند و یاد میکنند. از روزها قبل از ورود وی موج اعتراض و نارضایتی از اقدامات تصبیقی پلیس آلمان خشم مردم را صد چندان کرده بود. زندگی عادی شهروندان ماینس در هم ریخته بود. همه مردم معترضند که به چه دلیل چنین عنصر منفوری به آلمان دعوت شده است. وقتی "آرهارد شرودر" صدراعظم آلمان فدرال با نیت استقبال از بوش به سمت پلکان هواپیمای بوش راهی شد مأمور امنیتی آمریکائی در خاک آلمان جلوی او را گرفت و این یک توهین آشکار به کشور آلمان بود. شعار مردم این بود که حضور بوش خوش آیند ما نیست. دولت آلمان برای حفظ جان بزرگترین

س - رفیق مزدک، اطلاع یافتیم که شما سرپرستی هیات نمایندگی حزب کار ایران (توفان) در گرد همائی اخیر کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست جهان را که در ماه دسامبر ۲۰۰۴ میلادی در کشور اِکوادور در آمریکای جنوبی برگزار شد، به عهده داشتید. لطفاً برای خوانندگان "توفان" توضیح بدهید که علت تشکیل این گرد همائی چه بوده است؟ چه اهدافی را دنبال می‌کرد و چه کسانی در آن شرکت داشتند؟

ج - همان طور که اشاره کردید، گرد همائی اخیر کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان‌های م - ل جهان در اِکوادور (یکی از کشورهای ساحلی اقیانوس آرام در آمریکای لاتین) برگزار شد. تاریخاً نیز تأسیس کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای م-ل در همین کشور صورت گرفت. حال علت تشکیل گرد همائی اخیر چه بود؟

ببینید، این یک گردهمایی متعارف بود و از پیش در دستور کار کنفرانس قرار داشت. چون این کنفرانس بین المللی، علاوه بر نشست‌های سندیکائی، نشست‌های منطقه‌ای، سمینارهای نوبتی، فعالیت‌های مداوم مطبوعاتی و تبلیغاتی و سواى برنامه‌های متنوع فرهنگی و هنری و اردوی تابستانی برای جوانان... آنهم به طور منظم، سالی یک بار هم نشست سراسری دارد - گردهمایی اخیر از این دست بود. شرکت کنندگان امسال - با احتساب حزب ما جمعاً ۱۴ حزب و سازمان از ۱۴ کشور جهان (آفریقائی، آسیائی، اروپائی و آمریکائی) در نشست سراسری کنفرانس شرکت داشتند. بعضی - به دلایل مختلف - غائب ماندند.

به حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

گزارش سیاسی هیئت مرکزی...

نمونه های آن هستند. هم اکنون بودجه نظامی امپریالیست آمریکا از بودجه اکثریت ممالک آفریقا در مجموع فزونتر است. این برتری نظامی و شقاوت در بکارگیری ضد انسانی و وحشتناک آن مهمترین عامل تحمیل سرکردگی امپریالیست آمریکا بر جهان است. امپریالیست آمریکا برای حفظ این برتری در تلاش است تا کنترل منابع انرژی جهان را در اختیار خویش بگیرد. زیرا بهر صورت این راز پنهانی نیست که سرانجام ذخایر فسیلی انرژی روزی به پایان میرسند. آن کشوری که در آن زمان بیشترین ذخایر را داشته باشد حرف آخر را میزند. منابع انرژی جهان شیشه عمر همه امپریالیستهاست. این منابع میتواند ولی زندگی میلیاردها انسان روی زمین را رنگ آسایش زند و پیشرفت بشریت مترقی را در دنیای بدون امپریالیسم تامین نماید. امپریالیست آمریکا توسط کنسرنهای نفتی خویش به این ذخایر چنگ میاندازد. آنها را با بهای کم غارت کرده به آمریکا انتقال داده و در چاههای نفت به ته رسیده خود و یا در انبارهای ساخته شده برای روز مبادا ذخیره میکند. در عین حال کنترل چاههای نفت بویژه چاههای نفت ممالک پیرامونی خلیج فارس که از طریق آنها سوخت ژاپن، چین، هندوستان و ممالک اروپایی تامین میشود، در دست گرفتن شیشه عمر ممالک اروپایی و همه رقبای آمریکاست. حضور نظامی امپریالیست آمریکا و انگلیس در قفقاز برای غارت نفت بحر خزر و کنترل راههای انتقال نفت از طریق گرجستان و آذربایجان، چین و ترکیه، اوکراین و اشغال افغانستان برای انتقال بدون مانع نفت آسیای میانه از طریق افغانستان و پاکستان به ممالک صنعتی، همدستی با نظامیان اندونزی در سوماترا برای کنترل منابع انرژی در اندونزی، اعمال نفوذ در سودان، نیجریه برای کنترل نفت، کنار آمدن با لیبی و الجزایر و انجام کودتای آمریکائی بنام "همه پرسی" در ونزویلا که خوشبختانه با شکست مفتضحانه روبرو شد، تسلط و کنترل بر اوکراین به خاطر شبکه وسیع لوله های انتقال نفت روسیه به اروپا و راههای عبور مواد اولیه آنها به بازارهای اروپا و... همگی اقداماتی برای حفظ سرکردگی خویش از طریق در دست گرفتن اهرم نفت است. کنترل نفت و گاز و دستیابی به چاههای نفت نقش اساسی را در سیاست امپریالیست آمریکا برای حفظ منافع اقتصادی حال و آینده و مهار کردن رقبای خویش ایفاء میکند. برای اینکه امپریالیست موفق شود این وضعیت را حفظ کرده و یا بنفع خویش بهبود بخشد باید رقبای خویش را ضعیفتر و ضعیفتر نماید و مناطق نفت خیز را به زیر سلطه نظامی خویش در آورد. تلاشهای امپریالیستهای آمریکا و انگلیس و حتی اروپای غربی برای تضعیف روسیه و تجزیه هر چه بیشتر این کشور و یاری به درگیریهایی داخلی آن از این سیاست سرچشمه میگیرد. برای اروپائیها که در مقابل قدرت امپریالیست آمریکا به نظر لطف مسکو نیاز دارند و از این جهت با این امپریالیست به ممانعت مشغولند یک روسیه ضعیف و وابسته، مرجحتر از تزارهای جدید قدرتمند است. حمایت آنها از آمریکا در تغییرات قفقاز، سیاست دو پهلوئی آنها در زمینه حمایت و انتقاد از مبارزه مردم چین، دخالت مستقیم آنها در روسیه سفید و اوکراین همگی در خدمت سیاست رقابت و تئانی امپریالیستها با یکدیگر در عرصه

جهانی است.

اروپائیها برای مقابله با قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا ناچارند که وحدت میان خویش را تقویت کنند، در غیر صورت در شرایط کنونی لقمه چپ امپریالیست آمریکا خواهند بود. اتحادیه اروپا و تلاش امپریالیستهای آلمان و فرانسه برای ایجاد ارتش جداگانه ای از پیمان ناتو و با ایجاد ارتش حرفه ای بجای نظام وظیفه عمومی در آلمان از این منشاء سرچشمه میگیرد. ولی افزایش تسلیحات امپریالیستی فقط برای رقابت بین امپریالیستها با نیت تسلط بر بازار فروش و مواد اولیه نیست. امپریالیستها با تسلیح خویش و قدرتمندتر نشان دادن خویش نسبت به آنچه واقعا هستند به جنگ روانی دست میزنند و قصد دارند طبقه کارگر، زحمتکشان، پابرهنگان، خلقهای زیر سلطه و ملتها و دول جهان را بترسانند. این قدرت نمائی امپریالیستها ناشی از ترس آنها از مبارزات انقلابی طبقه کارگر و خلقهای جهان است. **زیرا قویترین نیروی جهان ساخته و پس از این نیز آترا خواهند ساخت.** این امپریالیستها هستند که از ما میترسند و خویشتن را برای روز قطعی نبرد تا دندان مسلح میکنند. تجربه شکست آنها در شوروی استالینی، چین، ویتنام، کامبوج، لانوس، کره، کوبا، شیلی، ونزویلا، نیکاراگوئه، الجزایر، لیبی، تانزانیا، زامبیا و غیره و در کشور اشغالی عراق گواه صحت ارزیابی ماست.

قدرت امپریالیستها و بویژه امپریالیست آمریکا جنبه تاکتیکی دارد و باید در مبارزه نیروهای انقلابی برای پرهیز از ماجراجویی به حساب آید ولی از جنبه راهبردی این قدرت توخالی است و سرنوشت شکستش در همان بدو تولدش با زندگی وی پیوند خورده است. باین جهت امپریالیسم ببر کاغذی است، غول مهیبی است که پاهای گلین دارد و نباید از مبارزه با آن و اومه ای به دل راه داد. این "عفریت مهیب" امپریالیسم در محاصره طبقه کارگر انقلابی جهان و خلقهای گیتی خرد خواهد شد.

ماشین قضائی امپریالیست آمریکا عامل مهم فشار و تهدید

امپریالیسم آمریکا یک نظام قضائی در آمریکا بنا کرده است که به علت تقوق نظامی و اقتصادی در عرصه جهان قادر میشود تصمیمات این دانشگاهها را در سراسر جهان با تهدید به اجراء بگذارد. سایر ممالک امپریالیستی در مقابل این فشار و شمشیر دموکلس تهدیدهای قضائی آمریکا فلج شده اند. آنها قانونی در کنگره آمریکا در مورد همه جهان به تصویب میروسانند و از همه ممالک می طلبند به این تصمیمات کنگره آمریکا تمکین کنند. محاصره اقتصادی ایران و عراق و کوبا و کره شمالی و لیبی و نیکاراگوئه و لهستان و شوروی در گذشته و غیره و غیره از این قبیل تصمیمات بوده و در پاره ای موارد هنوز هستند. هر شرکت و یا دولتی که با ممالک تحریم شده معامله کند مورد غضب امپریالیست آمریکا قرار گرفته و خودش مورد تحریم و فشار سیاسی و اقتصادی آمریکا قرار میگیرد. هیچ شرکتی در جهان نمیتواند بر اساس اراده آزاد خود عمل کند و باید خواسته های آمریکا و دیکته

آنها را بپذیرد باین وسیله امپریالیست آمریکا قادر میشود چه در مورد پرداخت غرامت به یهودیان تحت تعقیب نازیها، چه در مورد شرکتهای نفتی و تسلیحاتی رقیب، چه در مورد شرکتهای شیمیایی و داروئی ممالک اروپائی اقتدار خویش را به نمایش بگذارد و آنها را به تمکین به خواسته های آمریکا مجبور کند. این همان دموکراسی و آزادی آمریکائی است، آزادی زور، آزادی امر و نهی، آزادی پذیرش نیت قدرها. هم اکنون آمریکا در پی آنست که با ایجاد ساز و کارهای حقوقی در جهان که سر نخ کنترل آن در دست امپریالیست آمریکاست یک عامل جدید و موثر فشار و تهدید مالی و اقتصادی به دول و شرکتهای فراملیتی رقیب فراهم آورد. در این اواخر ما با فشار آمریکائی ها به روسها روبرو هستیم، روسهائی که با مشقت تلاش دارند تا منابع نفتی خویش را از زیر نفوذ عمال صهیونیسم و امپریالیسم که در زمان سلطنت بوریس یلسین بیاری امپریالیستها و رشوه دهی برای خویش مصادره کردند، بیرون بکشند. دادگاههای آمریکا در حمایت از یکی از جاسوسان خویش بنام "بروس میزامور" Bruce Misamore که در راس شرکت "یوکس" Yukos بوده و در تمام غارتگریها و اختلاس مالیاتی و دزدیها شرکت داشته است با توسل به امکانات حقوقی که برای خویش با حق ویژه قابل شده اند، برخاسته است و در امور داخلی روسیه با اهرمهای قدرتمند اقتصادی دخالت میکند.

امپریالیست آمریکا خودش البته هیچ قانون بین المللی را برسمیت نمیشناسد و علیرغم اینکه در دادگاه لاهه در هلند بعلت حمله راهزنانه به اسکله های نفتی ایران در خلیج فارس در زمان جنگ ایران و عراق و آنهم در همدستی اش با صدام حسین و بدون اینکه مستقیما و رسما طرف منازعه با ایران باشد و به ایران اعلان جنگ داده باشد، محکوم شده است ولی از پرداخت غرامت به ایران بی شرمانه سرباز میزند و حال آنکه هر سلطنت طلب خود فروخته ای که مال مردم ایران را سالها در زمان سلطنت ننگین پهلویها غارت کرده است میتواند با کسب تابعیت آمریکا علیه دولت ایران اعلام جرم کند و تقاضای خسارت حتی برای زمانیکه آمریکائی نبوده است بنماید. با مدارک جعلی با تائید روشن دادگاههای آمریکائی که مشابه آنرا در ایران هاشمی شاهرودی درست کرده است میلیونها دلار از ذخایر بسته شده ایران در آمریکا را که در اثر خیانت سلطنت پهلوی بعنوان گروگان در نزد آمریکائیها بوده است دریافت نماید. ماشین قضائی آمریکا یک نظام حقوقی برای قانونی سازی شانزاد و تهدید و راهزنی بین المللی است. این دستگاه قضائی وقتی "دادگستر" میشود و خوش به جوش میآید که کسی به حریم مالکیت خصوصی بر وسایل تولید در داخل خاک آمریکا تجاوز کند آنوقت است که کار و بارش با دستگاه قضائی میافتد و میروند آنجا که عرب نی بیاندازد. آری برای آفتابه دزدی این دستگاه دادگستری هشیار است و خواهان اجرای قانون ولی زمانیکه نزاع بر سر میلیاردها دلار غارت ممالک و ثروتهای سایر ملل است این دستگاه قضائی سیاسی از هر دو چشم نابیناست. حتی حق مالکیت خصوصی که این چنین در باره تقدس و معجزاتش تبلیغ میکنند زمانیکه حق سایرین باشد حتی قابل اغماض است و میشود آنرا لگد مال کرد. ... **بقیه در صفحه ۳**

گزارش سیاسی هیئت مرکزی...

اروپائی ها نیز در پی آن هستند تا توسط اتحادیه اروپا در این عرصه بدل اش را بسازند تا بتوانند متقابلا به تهدید رقیب بپردازند. آنها قادر شده اند با محکوم کردن "مابکرو سافت" در دادگاههای اروپائی و اجبار وی به برملا کردن پاره ای اسرار فنی خویش به این بهانه که امکان رقابت "سالم" ممکن گردد ضربه شستی به امریکا نشان دهند. باید در آینده نزدیکی شاهد سیل شکایان اروپائی از اتباع حقیقی و حقوقی آمریکائی بود. آنچه که عوض دارد دگلایه ندارد.

تضاد یورو و دلار

مدتها چنین بوده است که دلار پول معادل جهانی برای معاملات بین المللی محسوب میشده است. هر جنسی که بخواهد در عرصه بین المللی خرید فروش شود باید ارزش آن نخست بر اساس دلار تعیین گردد. این سلطه دلار بر بازار جهانی و بازار انرژی فسیلی در حال درهم شکستن است. آمریکا با کسری هنگفت موازنه پرداختها در عرصه بازرگانی و کاهش نرخ برابری دلار در قیاس با سایر ارزهای خارجی و به ویژه یورو در حالیکه در ۴ سال گذشته ۳۰ درصد ارزش خود را در مقابل یورو پول واحد اروپائی از دست داده است بار فشارهای اقتصادی خویش را بدوش سایر ممالک منتقل میکند. آمریکا حکم کشوری را دارد که خرجش از دخلش بیشتر شده و به عدم موازنه پرداختها دچار آمده است. حال باید با وامگیری از ممالک دیگر زندگی کند. باید دلار بیشتری برای اجناسی که وارد میکند، بپردازد. آمریکا مجبور است برای صادراتش نرخ برابری دلار را کاهش دهد و هر روز اثرات ضعیفتر نماید. تضعیف دلار صادرات کشورهای حوزه یورو را به آمریکا کاهش داده و به اقتصاد آنها ضربه میزند. آمریکا میکوشد با کاهش ارزش دلار و ایجاد کسر هنگفت بودجه در عرصه بازرگانی و افزایش بدهکاریهای خویش نه تنها به حساب ممالک طلبکار بلکه حتی به حساب ممالکی زندگی کند که ذخایر ارزی فراوانی از دلار دارند که بیکباره فاقد ارزش اولیه شده و نمیتوانند به همان میزان نخستین به کالای معادل بدل شوند. امپریالیست آمریکا با این سیاست مالی بهای نفت را که بر اساس ارزش دلار تعیین میشود به حداقل رسانده و ممالک صاحب نفت را به ورشکستگی سوق میدهد زیرا بهای نفت را با کاغذ پاره میبردازد. علیرغم اینکه به ظاهر چنین است که بهای نفت افزایش یافته است ولی در مقابل آن ارزش دلار در حال تنزل است و این خواست غارتگرانه، سیاست مالی امپریالیست آمریکاست. مطبوعات خیر میدهند که دول چین و ژاپن تنها در سال ۲۰۰۳ مبلغ ۲۰۰ میلیارد دلار در وامهای دولتی آمریکا سرمایه گذاری کرده و بویژه ژاپن ذخایر ارزی فراوان دلاری دارد. ریختن این دلارها به بازار بورس نرخ برابری دلار را بیشتر کاهش خواهد داد و به ضرر ممالکی است که دارای ذخایر فراوان دلار هستند. شایعات مربوط به این امر که نه چینها و نه ژاپنها حاضر نیستند برای کاهش کسری موازنه پرداختهای آمریکا به صدور سرمایه به آمریکا بپردازند وضعیت اقتصادی ممالکی را که بر اساس دلار زندگی میکنند وخیم تر کرده است. هر کشوری که تلاش کند ذخایر ارزی خویش را از دلار به یورو بدل کند با تهدید امپریالیست

آمریکا روبرو شده و وادار میگردد که نفت خود را بر اساس دلار به فروش برساند. ما با این روش آمریکا در عراق روبرو بودیم و دیدیم که چگونه به خاطر این اقدامات مستقلانه رژیم عراق صدام حسین را تنبیه کردند. از زمانی نیز که رژیم ایران بر سر تبدیل ذخایر ارزی خویش از دلار به یورو سخن میراند و در این عرصه گامهای کوچکی نیز برداشته است همان نغمه های همیشگی و تهدید آمیز امپریالیست آمریکا به گوش میرسد. آمریکا میخواهد که هنوز که اول کار است گربه را دم حمله بکشد.

تضاد امپریالیستها در یورش به عراق

قبل از تجاوز امپریالیست آمریکا و انگلیس به عراق، رژیم صدام حسین بیشترین قراردادهای نان و آبدار را با امپریالیستهای فرانسه، آلمان، روسیه، ایتالیا و چین بسته بود. اشغال غیر قانونی و استعماری عراق باعث شده است که آمریکائیهای قراردادهای گذشته را نخست توسط پل برمر حاکم آمریکائی عراق و سپس توسط نوکر بومیشان ایاد علاوی نخست وزیر دست نشانده عراق لغو کنند و قراردادهای پر آب و نانی با شرکتهای آمریکائی "بکتل"، "هالیبرتون"، "موتورولا" و... ببندند. از همان روز نخست ورود آنها به عراق، نفت عراق را به رایگان بار کشتیهای غول پیکر نفتی آمریکائی میکنند و عازم آمریکا میشوند، سیاست آنها خصوصی کردن صنایع نفت در عراق است. از این همه غنیمت بدست آمده به امپریالیستهای پر اشتهای اروپائی هیچ چیز نمیرسد. بی جهت نیست که آب دهان "انساندوستی" آنها براه افتاده است. در جنگ نخست آمریکا علیه عراق کمسیون پرداخت غرامت جنگی که بودجه خود آن کمسیون سرسام آور است به افراد حقیقی و حقوقی از ثروت مردم عراق غرامتهای سنگینی پرداخت از جمله این شرکتهای: شرکت هالیبرتون ۱۸ میلیون دلار، بکتل ۷ میلیون دلار، موبایل ۳/۳ میلیون دلار، شل ۱/۲ میلیون دلار، نیستله ۲/۶ میلیون دلار، پیسی ۳/۸ میلیون دلار، فیلیپ موریس ۱/۳ میلیون دلار، شراتون ۱۱ میلیون دلار، کنتکی فرید چیکن ۳۲۱۰۰۰ و توی ر. یواس ۱۸۹۴۴۹ دلار خسارت دریافت داشته اند. پس مبینیم که هدف برخلاف سوگندهای دروغ بورژواهای "متمدن" استقرار آزادی و دموکراسی در عراق و دلسوزی برای حقوق بشر و مبارزه با "تروریسم" و بنیادگرانی و... نیست، بلکه سخن بر سر غارت و چپاول عراق برای چندین نسل است. سخن بر سر آدمخواری است که از راه رسیده اند و میخواهند ملتی را غارت کنند، دستاوردهای آن ملت را از بین ببرند و آنها را به فقر و گرسنگی محکوم کنند.

گره گاههای تضادهای امپریالیستی به مناطق نفت خیز و در درجه اول به مناطق تعیین کننده استراتژیک منتقل گشته است. خلیج فارس هم اکنون گره گاه تضادهای امپریالیستی است. در مسئله یورش وحشیانه و ضد بشری امپریالیست آمریکا در زیر لوای سیلی از دروغ و جعل سند و ریاکاری بود که تضادهای امپریالیستها اروپائی با آمریکا و روسیه و چین و ژاپن آشکار

شد. امپریالیستهای فرانسه و آلمان و بویژه فرانسه رهبری جناح مخالف آمریکا را بعهده گرفتند و علیرغم خرابکاری امپریالیست آمریکا در اتحاد اروپا و جلب ممالکی نظیر اسپانیا، ایتالیا، پرتغال، هلند، دانمارک، انگلیس، لهستان و... این امپریالیستها موفق شدند چهره امپریالیست آمریکا را به لجن کشیده، افکار عمومی جهان را بر علیه آنها تحریک کرده و زیر پای متحدین آمریکائی در اروپا را به تدریج جارو کنند. طبیعتا روسیه و چین که منافع داز مدت در عراق داشته و دارند نمیتوانستند در این نزاع بی تفاوت بمانند و مخالفت خویش را با آن اعلام داشتند. ژاپن علیرغم اینکه ظاهرا از مواضع امپریالیست آمریکا از روی ترس حمایت نمادین میکند لیکن از یک پشتیبانی جدی تا کنون پرهیز کرده است. بتدریج ممالکی که در اثر فشار امپریالیست آمریکا در نخستین سال تجاوز به عراق کوتاه آمده بودند، خاک عراق را ترک میکنند. نمونه این چنین مملکتی کشور لهستان است که نخست از ترس تاریخی نسبت به آلمان و روسیه و به طمع کسب قراردادهای نان و آبدار مانند سگ مطیعی به دنبال جرج بوش راه افتاد ولی در عمل متوجه شد که قراردادهای نان آبدار قبل از تجاوز رسمی به عراق میان شرکتهای آمریکائی تقسیم شده و امپریالیست آمریکا حتی حاضر نیست استخوانهای ته مانده اش را برای لیس زدن به جلوی تازه بدوران رسیده های لهستانی بیفکند. این رهبران لهستانی همگی عضو حزب "کمونیست" لهستان بوده اند که یک از امشب به فردا ظاهرا تغییر ماهیت داده اند. تجاوز به عراق یک اقدام آگاهانه و بخشی از سیاست راهبردی امپریالیست آمریکا بود. آنها از این طریق تئوری "اقدامات پیشگیرانه" را جا انداختند و زمینه را برای تجاوزات بعدی آماده ساختند. آنها با دروغ و دغل و ریاکاری و بدون کوچکترین شرمساری به جهان نشان دادند که ما نیات و مقاصد خود را بهر بهانه ای که باشد اجراء میکنیم و نه از کسی شرم داریم و نه از کسی میترسیم. گزینش آگاهانه این سبک برخورد با هدف ایجاد ترس در همه ممالک و سیاست از عاب و شانناژ بین المللی صورت میگیرد. این سیاست را امپریالیستها پیاده کرده اند. آنها از این گذشته مکانهای استراتژیک جهان را از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی در دست گرفته اند و امکان ندارد با زبان خوش این مناطق را ترک کنند. آمریکائیهای از هم اکنون منابع نفتی جهان را منابع نفتی آمریکا میدانند که در خدمت "تمدن" و "دموکراسی" و ارزشهای مورد قبول آنها و "سبک و روش زندگی" آمریکائی میباشد. دزدی نفت توسط امپریالیستهای آمریکائی دستخوشی است که در مقابل مبارزه با "تروریسم" دریافت میکنند و در این روند "امنیت" سایر امپریالیستها را نیز تامین مینمایند. دزدی نفت که ظاهرا باید یک کار غیر اخلاقی و متضاد با اعتقادات مذهبی آقای جرج بوش باشد. با توجیه جبران فداکاری آمریکائی ها برای نجات جهان صورت میگیرد. بهائی است که مردم عراق باید برای "دموکراسی"، "آزادی" و "انتخابات آزاد" بپردازند. برای بقاء این "ارزشها" باید این منابع را بنفع امپریالیست آمریکا و دول "مترقی" در قبال "بربریت" و "توحش" شرق تصاحب کرد. مناطق نفت خیز حريم امنیت آمریکاست. این است که مبارزه برای اخراج بی قید و شرط امپریالیست آمریکا از عراق ... بقیه در صفحه ۴

پشتیبانی از اشغال عراق و ارتش اشغالگر حمایت از استعمار است

گزارش سیاسی هیئت مرکزی...

یک خواست مترقی است.

طبیعی است که انجام "انتخابات آزاد" در عراق در زیر سلطه قوای اشغالگر حتی اگر نقاب سازمان ملل متحد نیز به آن بزنند و همه رسانه های امپریالیستی و نوکرانشان در دنیا نیز برایشان دست بزنند و هورا بکشند باز یک انتخابات قلابی باقی میماند که نتایجش از هم اکنون مانند انتخابات تقلبی توسط آمریکا در ویتنام جنوبی خوبی پیدا است و هیچ نیروی مترقی و دموکرات نمیتواند آنرا به رسمیت بشناسد. در این جا مراجع تقلید شیعیان در عراق و با نیروهای متشکل شیعه مذهب میتوانند یک نقش مهم ایفاء نمایند. درخواست آنها از مردم عراق تا در انتخابات استعماری شرکت کنند یک **خیانت ملی** است و نشانه آن است که مذهب در سیاست بفع آمریکا خیلی خوب هم شرکت میکند و نشانه همدستی این رهبران مذهبی با امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع است و باید از جانب نیروهای مترقی قویا محکوم شود. این عمل نشان خواهد داد که روحانیت تا به چه حد ارتجاعی و ضد انقلابی و غیر قابل اعتماد است. همه قراردادهایی که حکومت فعلی عراق و یا حکومت قلابی که از دل آن "انتخابات آزاد" بدر میآید با هر شخص حقوقی و یا حقیقی امضاء کنند قراردادی استعماری و باطل است. **مبارزه مردم عراق بر علیه امپریالیستها با هر شیوه و روشی که انجام گیرد تا این آدمخواران جنایتکار ضد بشر خاک عراق را ترک کنند مبارزه ای مشروع و قابل فهم است. شکست امپریالیست آمریکا در عراق یک شکست استراتژیک است و فقط مربوط به عراق نخواهد شد.** این شکست کمر این امپریالیست را در جهان میشکند. نه تنها خلقها و طبقه کارگر جهان قد بلند میکنند، نه تنها طبقه کارگر آمریکا به میدان میاید، نه تنها جنبش انقلابی و دموکراتیک در عرصه جهان اعتلاء پیدا کرده و اوج میگیرد، بلکه سایر امپریالیستها را نیز به جان آمریکا میاندازد تا با استفاده از ضعف آمریکا مقاصد و نیات خویش را بانجام برسانند و ادعای تقسیم مجد جهان را بر اساس تناسب نیروی جدید مطرح نمایند. باین جهت شعار خروج فوری و بی قید و شرط امپریالیست آمریکا از عراق یک شعار انقلابی و استراتژیک است. از این گذشته امپریالیست آمریکا قصد دارد با برگزاری یک انتخابات قلابی و روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده "دموکراتیک" تجاوز استعماری خویش را با تاخیر مجاز و مشروع جلوه دهد و تأییدیه ای از دست این حکومت دست نشانده برای ضرورت این تجاوز بدست آورد. امپریالیستهای اروپایی که شاهد این خطر هستند خرسندی خویش را از چنین انتخاباتی به سختی اعلام میکنند.

اروپا نه فقط بر سر اشغال عراق که منافع خویش را در خطر میبیند با آمریکا اختلاف نظر دارد، در برخورد به مسئله ایران و تهدیدات آمریکا نیز نمیتواند با امپریالیست آمریکا همراهی کند. ایران یکی از نادر ممالکی است که با نشستن بر دریای نفت و گاز هنوز اوامر امپریالیست آمریکا را تمکین نمیکند و تا روزیکه به زیر سلطه سیاسی امپریالیست آمریکا نرفته است برای تامین انرژی ممالک اروپایی روزنه امید محسوب میگردد. تجاوز به ایران صرف نظر از عواقب غیر قابل پیشبینی آن برای منطقه خطری جدی برای منافع اقتصادی اروپائینها، چینینها و روسهاست و این

شک و سوء ظن نسبت به سیاست آمریکا آنها را به مخالفت با آمریکا میکشاند. آمریکا در عین اینکه رسماً خواستار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است و این مانع اساسی نزدیکی رژیم جمهوری اسلامی به آمریکاست با اروپا که چنین خواستی را در برنامه خود قرار نداده و در پی ادامه سیاستهای اقتصادی گذشته و کنار آمدن با رژیم جمهوری اسلامی است مخالف میباشد. از این گذشته ممالک اروپایی در برخورد به مسئله اشغال سرزمین فلسطین سیاست قدرمنشانه اسرائیل را مورد تأیید قرار نمیدهند و با حمایت بی قید و شرط آمریکانها از اسرائیل که منطقه را به کلی نا امن کرده است موافقتی ندارند. آنها در مورد "دموکراسی" کردن خاور میانه نیز با سوء ظن به آمریکا مینگرند. (ادامه در شماره آینده).

مصاحبه هیئت تحریریه...

است. اقدامات به عمل آمده، روشهای اجرایی و تاکتیکهای به کار رفته در مسیر تحقق مطلوب مشترک ما، یعنی نشانیدن جوهر مارکسیسم - لنینیسم در بطن و متن جنبشهای زندهی اجتماعی و جنبش کارگری در سطوح ملی و بین المللی ... اینها همه با دقت زیادی ارزیابی میشود. نواقص فنی - به تناسب امکانات موجود - ترمیم شده و معایب مورد انتقاد قرار می گیرند... تا جایی که معلوم شود که اشکال از کجا آب می خورد؟ ملاحظه می کنید که بررسی یک "بیان" به تنهایی، از دیدن و فهمیدن نواقص گرفته تا رفع ابهامات و افراط و تفریطهای احتمالی! و بالاخره یافتن راه حلهای ممکن و... اصولاً کار سادهای نیست. گزارش فعالیتهای سندیکائی هست، گزارش انفرادی احزاب و سازمانها از سراسر جهان، گزارش مناطق بحرانی و یا مسایلی که احزاب معینی رادر یک منطقه در بر میگیرند و سپس توضیحات مشروح کمیتهی هماهنگی تا سطح اطلاعات واحدی را ایجاد کرده و زمینه را برای بحث و تبادل نظر آماده کند. این اقدام به انتقال تجارب مبارزه بسیار یاری میرساند.

تازه بعد از رسیدگی به کار ترانامه سالانه و دآوری نقاط قوت و ضعف آن نوبت به بحث و تبادل نظر، به اتخاذ تصمیمات سیاسی و تاکتیکئی میرسد. برای یافتن "زبان" واحد، تاکتیکهای سیاسی مشترک - متناسب با اشکال متنوع مبارزهی طبقاتی در سطح ملی و بین المللی - کلی کار میشود، از تجزیه و تحلیل مسائل جاری جهان گرفته تا بررسی موقعیت سرمایه و سرمایه داری در کشورهای پیشرفته و پس مانده. واقفید که این کار برای درک مطالبات فوری طبقهی کارگر در سطح ملی و منافع استراتژیک این طبقه به مثابهی یک "کل واحد" در سطح بین المللی، برای درک موضوع مبارزهی خلقها در قبال ارتجاع و امپریالیسم، مطالبات ویژهی زنان، نیازمندیهای جوانان و روشن فکران، حق و حقوق سالمندان و اهمیت فوق العادهی دارد. سخن بر سر چگونگی حضور سازمان یافتهی احزاب و سازمانهای م - ل در مبارزهی روزمرهی مردم، بر سر افزایش توان و کارائی انفرادی احزاب و سازمانهای م - ل در سطح ملی و کنفرانس در سطح بین المللی است - این مسایلی مسایل مهمی

هستند که باید آنها را جدی گرفت. بعد از این مراحل، نوبت به طرحها و پیشنهادات عملی تهیه و تدوین پیامها و قطعنامهها میرسد. با این توضیحات، میتوان اهداف گردهمایی اخیر کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای م - ل جهان را در قالب کلی آن - به وضوح تشخیص داد. من این طور فکر می کنم.

حال می رسیم به ویژه گی گردهمایی اخیر - که فوقاً بدان اشاره کردم. در این گردهمایی، از قضا "معضلی" اضافی هم بود که می بایست بر طرف شود - و شد.

مسئله مربوط میشود به اوضاع و احوال "وزونلا" و دخالت آشکار امپریالیسم آمریکا در امور داخلی این کشور لاتین. بگذریم از این که دخالت بی شرمانه امپریالیسم آمریکا به خصوص - در کار دیگران - اصلاً تازگی ندارد.

ببینید، از سال ۱۹۹۲ میلادی بود که امپریالیسم آمریکا - خیلی راحت تر از دوران رقابت اردوگاهی - شمشیر از رو بست، سازمان "سیا" را فعال کرد، شماری از آدم کشان حرفه ای (از جمله چاقوکشان کوبائی مقیم آمریکا) را به کار انداخت و در پی منافع استراتژیک خود در منطقه - برخلاف تمام موازین شناخته شدهی بین المللی - با هم دستی حکومت سر سپرده و اتحادیهی کارفرمایان وزونلا! عملاً در سرکوب تظاهرات مسالمت آمیز صدها هزار تن از مردم کاراکاس (پایتخت وزونلا) حضور یافته و آشکارا دست به ترور و خراب کاری در این کشور زد. چرا! چون مردم وزونلا از فقر و بی کاری و دربردی... از دست حکومتی سرسپرده که منافع ملی وزونلا و خلق وزونلا را به پای انحصارات آمریکائی، به پای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول قربانی می کرد بستوه آمده و یک پارچه با امپریالیسم آمریکا و دولت سرسپرده، با بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و اتحادیهی کارفرمایان وزونلا (بورژوازی کمپرادر) مستقیماً سر شاخ شدند.

کار بیخ پیدا کرد و باعث نگرانی گروههای ممتاز در سطح ملی و بین المللی شد. بخش قابل توجهی از ارتش وزونلا (خاصه نیروی زمینی)، به سمت مردم متمایل گردید. تا جایی که یکی از فرماندهان نیروی زمینی - سرهنگ چاوز از خانوادهای فقیر - طغیان کرد و به صفوف مردم پیوست. چاوز سخنان خوبی بود و از نزدیک با درد و رنج مردم کشور خود آشنائی داشت. در نیروی زمینی و در میان سربازان و درجه داران و افسران جوان هم خیلی محبوب بود.

حضور چاوز در صفوف مردم، آرایش نیروهای متقابل در جغرافیای سیاسی وزونلا را به سود خلق وزونلا تغییر داد. به لحاظ سیاسی، چاوز گرایشی ملی داشت و شدیداً با دخالت امپریالیسم آمریکا در امور داخلی وزونلا مخالفت می ورزید. بد یا خوب و بهر علت! نامبرده با مبارزهی قهرآمیز خلق در قبال ارتجاع و امپریالیسم سازگاری نداشت و راه "مسالمت" را ترجیح می داد.

چاوز توانست اکثریت قریب به اتفاق خلق زحمتکش وزونلا - از کارگران و دهقانان گرفته تا بیشتر جوانان و روشن فکران و مردم فقیر در سراسر کشور را با خود همراه نماید. او آشکارا با حضور و دخالت امپریالیسم آمریکا در امور داخلی وزونلا به مخالفت برخاست و از همهی نیروهای اوبوزبسیون دعوت کرد تا برای تغییر قانون اساسی موجود به... **بقیه در صفحه ۵**

ما خواهان خروج بی قید و شرط امپریالیست آمریکا از کشور عراق هستیم

مصاحبه‌ی هیأت تحریریه‌ی...

سود مردم - بدون توسل به قهر! مبارزه‌ی مشترکی را آغاز کنند. فراخوان مسالمت آمیز جاوز با نظر مساعد مردم و همه‌ی نیروهای مترقی ونزوئلا - ملی و کمونیست - روبرو شد. دولت وقت و با هر محاسبه‌ی درست یا غلطی و در واقع با تحقیر خلق و خود بزرگ بینی و اعتماد بی پایان به قدرت "سحر آمیز" امپریالیست آمریکا انتخابات ریاست جمهوری را به راه انداخت. در این انتخابات جاوز - بعد از یک بار دستگیری و زندان به عنوان یک افسر یاغی! از طرف جبهه‌ی متحد اپوزیسیون کاندید و بر خلاف انتظار امپریالیسم آمریکا و حکام سرسپرده‌ی داخلی! بصورت دموکراتیک با اکثریت نیرومندی به عنوان رئیس جمهور ونزوئلا برگزیده شد. چنین پیروزی شکننده‌ی ای نمیتوانست خشم امپریالیستها و نیروهای ضد انقلابی را بر نیافرودد. این انتخابات مسالمت آمیز و دموکراتیک خلق ونزوئلا خشم "افایان" را بر انگیخت! حال آن که جاوز به عنوان یک شخصیت ملی، اصلاً قصد نداشت که ساختار اقتصاد سرمایه داری ونزوئلا را تغییر دهد و نداد. حتا کمونیست‌های "متحد" با خویش در جبهه‌ی فوق الذکر را هم - برای اداره‌ی کشور - چندان به بازی نگرفت. معذالک، برای تغییر قانون اساسی کشور یک همه پرسه ملی را سازمان داد. مجلس مؤسسان درست کرد. بر مبنای قانون اساسی جدید - به سود مردم - کارهای اصلاحی زیادی انجام داد. قانون کار را تغییر داده و بیمه‌های اجتماعی برای کارگران و زحمتکشان به وجود آورد. آزادی فعالیت حزبی و سندیکائی را برای همه‌ی آحاد مردم به رسمیت شناخت. وضع محله‌های فقیر نشین را بهبود بخشید. کوچه و خیابان و جاده‌ها را ترمیم کرد. مدارس و بیمارستان‌های دولتی زیادی به وجود آورد. در عرصه‌ی بین المللی نیز جاوز بی کار نماند و دیپلماسی تازه‌ای را در پیش گرفت. دیپلماسی سنتی ونزوئلا - یعنی سرسپردگی به امپریالیسم آمریکا را به کلی مردود شمرد. روابط خود را با دیگر کشورها، خاصه با کشورهای آمریکای لاتین - بر مبنای منافع ملی ونزوئلا تنظیم کرد. برای اولین بار با کوبا روابط دوستانه برقرار کرد و دو مرتبه به ملاقات کاسترو رفت. با سرکردگی امپریالیسم آمریکا در "اوپک" - گروه کشورهای صادرکننده‌ی نفت - به مخالفت برخاست و...

این اقدامات جاوز - در داخل و هم در خارج - اصلاً به مذاق امپریالیسم، به مذاق بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و اتحادیه‌ی کارفرمایان ونزوئلا خوش نیامد و با توسل به عواملی که پیشتر بدانها اشاره کردم، دسته جمعی به پای سرنگونی دولت ملی جاوز رفتند. آنها نمیتوانستند بپذیرند که تجربه جاوز در آمریکای جنوبی پیرو پیدا کند. کودتائی به راه انداختند که با هوشیاری و مبارزه‌ی خلق ونزوئلا دفع شد و مثل تف سر بالائی به صورت طراحان آن فرو افتاد. رهبر جنایتکار کودتا به آمریکای "دموکرات و آزادیخواه" فرار کرد. انوقت ماشینهای خرابکاری به کار افتاد تا اقتصاد ونزوئلا را خراب کرده کشور را به ورشکستگی کشانده با ایجاد زلزله و جنگ روانی از طریق هزینه های گزاف سازمانهای جاسوسی و کشیدن "توده" ها در صحنه رژیم ملی جاوز را سرنگون کنند. شعار این عمل امپریالیسم و طبقه حاکمه ونزوئلا بر حسب تصادف همان "همه پرسه" معروف بود تا پادشاهی

برای ونزوئلا پیدا کنند. خلق قهرمان ونزوئلا با تودهنی محکمی به طراحان "همه پرسه" آمریکائی جبهه ارتجاع ونزوئلا را که همه زورش را زده بود به شکست کشانید. باز هم جاوز پیروز گردید.

کنفرانس با هوشیاری تمام و به باری احزاب برادر ما در منطقه حوادث داخلی ونزوئلا را از نزدیک دنبال کرد و نسبت به مبارزه‌ی ضد امپریالیستی خلق ونزوئلا و میهن دوستی جاوز در اوضاع و احوال کنونی جهان حساس شد و بعد از کلی مطالعه و مباحثه و مشورت‌های ممتد در زمینه‌های مختلف - وفادار نسبت به اصول لنینیستی خود - از مبارزه‌ی ضد امپریالیستی خلق ونزوئلا و میهن دوستی جاوز و یارانش دفاع کرده و میکند. اما، حزب "پرچم سرخ ونزوئلا" - عضو کنفرانس بین المللی - که اصلاً به مبارزه‌ی ضد امپریالیستی خلق و استقلال ملی و میهن دوستی در شرایط موجود باور ندارد! خرج خود را از بقیه با یک برداشت تروتسکیستی از مبارزه طبقاتی و تحولات منطقه جدا کرد و در واقع با مارکسیسم - لنینیسم وداع گفت و پشت به کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان‌های م - ل جهان به راه "خود" یعنی به دنبال امپریالیسم آمریکا و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و اتحادیه‌ی کارفرمایان بومی رفت و رسماً با اینان برای سرنگونی دولت ملی و ضد امپریالیستی جاوز وارد زد و بند و اتحاد گردید - که باعث تأسف همگان شد. این معضلی بود که کنفرانس در گردهمایی اخیر خود - بر اساس گزارش دقیق و مستند کمیته‌ی هماهنگی - بدان پرداخت. ببینید، کنفرانس نمی خواست - به هیچ وجه - با اصول پایه‌ای خویش در تضاد و تناقض قرار بگیرد و ننگرفت. پس به خاطر پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم و اعتبار سیاسی و ایدئولوژیک خود در نزد طبقه‌ی کارگر و خلق‌های جهان و در نزد خلق ونزوئلا به طریق اولی، انحراف حزب "پرچم سرخ ونزوئلا" را قویاً محکوم کرد و نشان داد که پرچم تروتکیسم همیشه زرد بوده و تروتکسیتها سر از لانه امپریالیستها بدر میاورند. کنفرانس مواضع ارتجاعی این حزب را مردود شمرد. در مقابل برای خلق ونزوئلا پیام همبستگی فرستاد و مبارزه‌ی میهنی و ضد امپریالیستی جاوز را مورد تحسین قرار داد. البته این تصمیم ما به سادگی صورت نگرفت. ما با این نوع نادرست برخورد به مبارزه ضد امپریالیستی از نشست قبلی روبرو بودیم و تلاش فراوان کردیم تا حزب "پرچم سرخ ونزوئلا" از اشتباهات خویش دست بردارد. متأسفانه پافشاری آنها بر مواضع غلط نشان داد که ریشه اختلافات ما با آنها در عدم درکشان از شرایط مشخص ونزوئلا نیست بلکه بر سر قبول یا رد لنینیسم است. آنگاه نمیشد که با دشمنان لنینیسم در یک صف واحد قرار گرفت و به سمت خلق ونزوئلا شلیک کرد.

س - لطفاً تاریخچه‌ی تشکیل این کنفرانس را توضیح داده و بگوئید که آیا هدف از این کنفرانس تشکیل یک انترناسیونال جدید توسط احزاب برادر است و یا این که فقط برای تبادل نظر بر پا شده است؟

ج - ببینید ۱۰ سال پیش - وقتی که این کنفرانس پا گرفت - بودند گروه‌هایی که بیشتر و یا "فقط" به ایجاد یک "کلوب" بحث فکر میکردند! حال آن که بقیه - بدون مخالفتی اصولی با بحث و تبادل نظر در میان احزاب - تشکیل کنفرانس را برای رسیدن

به یک دورنما یا یک ارگان ایدئولوژیک - سیاسی لازم می دانستند. در مبارزه‌ی نظری بر سر همین دو طرز تلقی متمایز از "کنفرانس" بود که به مرور هواداران "کلوب" جا خالی کرده و از میدان بدر رفتند. چون تا ابد که نمی شود "بحث" کرد و از مبارزه طرفه رفت؟ هر بحثی باید سرانجامی داشته باشد و برای راهیابی و برداشتن موانع از پیش پای انقلاب و کسب قدرت سیاسی باشد. بحث فقط برای بحث و امری در خود نیست برای یافتن اسلحه قدرتمندی برای نابودی دشمن است. به علاوه، بحث و تبادل نظر برای "بحث" و تبادل نظر "!" به کلی بی معنی است. در بحث و تبادل نظر باید هدف معلومی داشت و دور نمای مشخصی را دنبال کرد. دلایل و شواهد زنده‌ای وجود دارد مبنی بر این که کنفرانس بین المللی در اشکال متنوع مبارزه‌ی طبقاتی در ۱۰ سال اخیر - در سطح ملی و همچنین در عرصه‌ی بین المللی - اصلاً بی طرف نبوده و نیست.

چند نمونه برایتان می آورم. کنفرانس مارکسیسم - لنینیسم را راهنمای خود قرار داده و با این "شناسنامه" پرافتخار ایدئولوژیک است که به کائنات می نگرد. به مسائل جاری جهان می پردازد. در جنبش‌های زنده‌ی اجتماعی حضور می یابد. از مطالبات فوری خلق‌ها و منافع استراتژیک طبقه‌ی کارگر دفاع می کند. در مسیر استقرار دیکتاتوری پرولتاریا به خاطر بنای سوسیالیسم در کشورهای جداگانه پیش می رود. در این راستا، کنفرانس:

الف - مرتب خصلت میرنده‌ی سرمایه داری را گوشزد کرده و کارگران و زحمتکشان را به یک مبارزه‌ی سازمان یافته‌ی حزبی در قبال بورژوازی تشویق می کند.

ب - با خلق‌ها همبستگی دارد و از مبارزه‌ی ملت‌ها در قبال ارتجاع و امپریالیسم حمایت می کند.

ج - با اشغالگری و جنگ‌های امپریالیستی، با رقابت سلاطین مالی - صنعتی بر سر تقسیم مجدد جهان سر ستیز دارد.

د - تجزیه‌ی یوگسلاوی و تقسیم افغانستان توسط پیمان ناتو را مردود میداند.

ح - اشغال عراق توسط امپریالیسم آمریکا و شرکاء را محکوم میکند.

اینها همه میرساند که کنفرانس اهدافی معلوم و دورنمای ایدئولوژیک - سیاسی مشخصی را دنبال کرده و میکند. به علاوه، برخورد قاطعی که در گردهمایی اخیر با مواضع حزب "پرچم سرخ ونزوئلا" کرد. نشان میدهد که کنفرانس نسبت به انحراف ایدئولوژیک در درون خود حساسیت زیادی دارد. معذالک، هنوز نمی شود از یک "انترناسیونال" - آن طور که شما بدان اشاره کردید - صحبت کرد. اما، سیر تاکنونی کنفرانس - در گفتار و هم در کردار - خیلی امیدوار کننده است. و این مسئله، برای حزب ما اهمیت زیادی دارد.

س - در این نوبت چه پیام‌ها و قطعنامه‌هایی صادر شد؟

ج - طبق معمول، پیام‌ها و قطعنامه‌ها زیاد بودند. تردید ندارم که شما همه‌ی آنها را در زمان مقتضی - بعد از پایان کار نسبتاً سنگین "ترجمه" از ۳ زبان انگلیسی، فرانسه و اسپانیائی به فارسی - به اطلاع خوانندگان منتظر "توفان" خواهید رسانید. همین قدر می گویم که کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان‌های م - ل جهان در گرد همائی اخیر خود، برای کنگره‌ی سوم حزب ما نیز پیام فرستاد - که حتماً اطلاع... بقیه در صفحه ۶

مبارزه با تروریسم از مبارزه با امپریالیسم جدا نیست

مصاحبه‌ی هیأت تحریریه‌ی...

دارید. از مهم ترین قطعنامه‌ها: یکی درباره‌ی محکومیت مجدد اشغال عراق توسط امپریالیسم آمریکا و شرکاء بود، به مثابه یک عامل استراتژیک برای امپریالیسم آمریکا، که می‌خواهد از این طریق رقبای خود را پس زده و بر جغرافیای سیاسی جهان سلطه‌ی "واحد" داشته باشد. درباره‌ی مبارزات خلق فلسطین در قبال اشغالگران صیہونیست به خاطر آزادی و استقلال ملی و تأسیس یک دولت مستقل فلسطینی. در باره‌ی مبارزه‌ی خلق ونزوئلا و میهن دوستی چاوز در قبال امپریالیسم مداخله جو و متجاوز آمریکا. درباره‌ی محکومیت جنگ داخلی در ساحل عاج. درباره‌ی مردود بودن قانون اساسی "اروپای متحد" به مثابه‌ی یک ابر قدرت امپریالیستی.

س - وضع حزب برادر ما در اکوادور چطور است؟ مثل این که یکی از پر نفوذ ترین احزاب م - ل در آمریکای لاتین به شمار می‌رود؟

ج - حق با شماست، این حزب یکی از احزاب قدیمی و با نفوذ در آمریکای لاتین است. این حزب، در منطقه و هم در مبارزات جاری مردم اکوادور حضور نسبتاً نیرومندی دارد. چطور؟ این مسئله اهمیت زیادی دارد. اگر اجازه بدهید، می‌خواهم چند جمله هم - بیشتر به خاطر حضور ذهن خوانندگان - درباره‌ی شرایط دشوار منطقه بگویم. ببینید، کشورهای لاتین - بغل گوش امپریالیسم آمریکا - وضع خاصی دارند. امپریالیسم آمریکا به کشورهای لاتین به عنوان "ارث پدری" خود می‌نگرد! و خیلی زور میزند که با این کشورها نوعی روابط "ارباب - رعیتی" داشته باشد! به لحاظ اقتصادی، آمریکای شمالی به کشورهای لاتین احتیاج مبرمی دارد - به خاطر منابع سرشار طبیعی مثل مس، آهن، نیکل، گرم، طلا، نقره نفت و گاز و (در خشکی و هم در دریا) به خاطر دانه‌های صنعتی و محصولات کشاورزی. به خاطر جنگل‌های نمونه برای صنایع چوبی و داروئی و کاغذ سازی. به خاطر ذخیره‌ی استراتژیک نیروی کار ارزان. به لحاظ امنیتی نیز کشورهای لاتین - در کرانه‌های اقیانوس آرام - برای امپریالیسم آمریکا اهمیت حیاتی دارند. از این روست که سرویس امنیتی آمریکا - "سیا" - تا مغز استخوان ارگان‌های رسمی کشورهای لاتین نفوذ کرده و دست بردارم نیست! غالب دولت مردان و امیران نظامی (زمینی، هوایی و دریایی)، با صلاحیت قبلی "سیا" بالا می‌آیند و "انتخاب!!" میشوند. حساسیت آمریکا نسبت به کشورهای لاتین - خاصه در دوران رقابت اردوگاهی نیز - بر کسی پوشیده نیست. به خاطر دارید که در زمان زمام داری "کندی در آمریکا" و "خروشچف در شوروی" بود که دعوی طرفین بر سر "کوبا" به جاهای باریک کشید.

ملاحظه می‌کنید که کار کردن در میان مردم و در یک چنین شرائطی، آن هم با پرچم مارکسیسم - لنینیسم. از "شوار" هم دشوارتر است. حزب برادر ما - با ۴۰ سال سابقه - موفق شده تا با تلفیق زیرکانه‌ی فعالیت علمی و مخفی در سطوح مختلف، حضور نیرومندی در جامعه داشته باشد. محبوبیت فوق العاده‌ی در نزد خلق زحمت کش و در صفوف طبقه‌ی کارگر اکوادور به دست آورد. البته، خطر همیشه وجود دارد. سرویس‌های امنیتی هم بیکار نیستند و تا کنون تعدادی از رفقای ما را به دام انداخته و ترور کرده‌اند.

در مقابل، حزب برادر ما نیز - با هوشیاری خیلی

زیاد - به مبارزه‌ی خود ادامه داده و میدهد. سرسختی ما مارکسیست - لنینیست‌ها - بر اثر افت و خیزهای مداوم - به اندازه‌ی کافی "مایه" دارد که بورژوازی قادر به درهم کوبیدن آن نباشد و نیست. بی جهت نیست که با وجود همه‌ی فشارها و تهدیدها و ترورهای گاه و بی‌گاه اعتبار حزب برادر ما در میان مردم اکوادور - در سطوح مختلف - از کوچه، بازار و خیابان در شهر و روستا گرفته تا سندیکاها و نهادهای اداری و آموزشی و انجمن‌های محلی و... بیش از پیش بالا گرفته است. چند نماینده کنونی پارلمان متعلق به حزب برادر ما هستند. حزب حضور نیرومندی در سندیکاها، کارگری و فرهنگیان کشور دارد. در انتخابات شهرداری‌ها شرکت کرده و با اکثریت "غیر" قابل انتظاری شهرداری یکی از شهرهای

پر جمعیت کشور را - شهری با قریب ۱۳۰ هزار نفر جمعیت - به دست گرفته و برای اولین بار یک ارگان نسبتاً موثر بومی را در خدمت خلق به کار انداخته است. در همین شهر بود که ۴ سال پیش - عوامل "ناشناس" یکی از کادرهای برجسته‌ی حزب برادر ما را ناجوانمردانه ترور کردند. به نام "کنفرانس"، ما (نمایندگان احزاب و سازمان‌های م - ل جهان) را به این شهر دعوت کردند تا در مراسمی با حضور مردم محلی در مرکز شهر شرکت نماییم. در این مراسم، از روی مجسمه‌ی یاد بود رفیق جانباخته پرده برداری شد. به این مناسبت کنفرانس پیمای برای مردم دلاور این شهر تدوین کرد که توسط یکی از رفقا خوانده شد. در میان خروش فقیران شهر هر حزب و سازمانی تاج گلی به پای این مجسمه‌ی یاد بود گذاشت. بر سنگ نبشته‌های اسامی کشورهای حاضر در این مراسم به یاد ماندنی و انسانی و انقلابی حک شده است. حزب ما - حزب کار ایران (توفان) - افتخار دارد که به نام خلق و طبقه‌ی کارگر ایران در این مراسم حضور داشت. از ما برای مراسم دیگری هم دعوت به عمل آمد. رفقای حزب برادر ما - کادرهای فرهنگی و دانشگاهی - در انتخابات داخلی سندیکای فرهنگیان اکوادور با اکثریت باز هم "غیر" قابل تصویری رهبری این سندیکای قدیمی را به دست آوردند. در مراسمی با انبوه فرهنگیان اکوادور، حضور نمایندگان احزاب و سازمان‌های م - ل جهان (به طور انفرادی) اعلان شد که خروش شوقی در میان حضار به پا کرد. حزب ما - حزب کار ایران (توفان) - افتخار دارد که به نام خلق و طبقه‌ی کارگر ایران در این مراسم حضور داشت.

س - جمع بندی هیأت نمایندگی حزب ما از این گردهمایی چیست و دورنمای فعالیت‌های کنفرانس را چطور ارزیابی میکند؟

ج - گزارش تفصیلی سفر (جمع بندی) هیأت نمایندگی حزب ما، قبلاً در اختیار دبیرخانه‌ی مرکزی حزب قرار گرفته. اینها را که من برایتان بیان داشتم "تکلیفی" از آن است - که ارزیابی هیأت نمایندگی حزب ما از دورنمای کنفرانس را نیز در بر می‌گیرد.

رفیق از اینکه وقت گرانبهای خود را در اختیار ما گذاشتید تا به همه خوانندگان "توفان" نشان دهید که مبارزه مارکسیست - لنینیستها یک مبارزه جهانی است و جبهه بزرگ کارگران، زحمتکشان و خلقهای جهان را در بر میگیرد، سپاسگزاریم. پیروز باشید.

پیام نوروزی...

نگرانید بلکه بیش از پیش رو به وخامت رفت. در سال گذشته بیکار بی امان کارگران، فرهنگیان، پرستاران، دانشجویان، زنان و جوانان سراسر کشور علیه کلیت نظام پس مانده اسلامی ادامه یافته و فریاد نان، آزادی و عدالت اجتماعی روشن تر و بلند تر از هر زمان نواخته شد و ارکان رژیم پوسیده را به لرزه درآورد. سال نو و نوروز در شرایطی فرا میرسد که مردم ایران با تجربه شخصی خود پی به دروغ و تزویر جناح های رنگارنگ رژیم بردند و به این نتیجه منطقی رسیدند که کار، نان، مسکن، آزادی و رفاه نسبی اقتصادی و رفع تبعیض های اجتماعی در کادر جناح های رژیم سرمایه داری اسلامی غیر ممکن است و لذا نخستین گام برای نیل به مطالبات انسانی فوق برانداختن نظام گنبدیده و مرتجع حاکم است.

سال نو و نوروز در شرایطی فرا میرسد که امپریالیست آمریکا این بزرگترین تروریست دولتی جهان آهنگ آن کرده که تحت لوای مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی، غنی سازی اورانیوم و تولید سلاح اتمی و..... افکار عموی جهان را برای تجاوز به ایران آماده کند و سر انجام به اهداف شوم خود که همانا کنترل منابع نفتی ایران است دست یابد. لیکن تجربه اشغال عراق و ویران سازی شیرازه زندگی مردم نشان میدهد که رهانی مردم ایران از زندان جمهوری اسلامی تنها توسط خود مردم و اتکا به نیروی خویش میسر است و ذره ای توهم به دروغ پردازی های امپریالیست آمریکا و کوچک ابدال هایش از چاه به چاله افتادن است و بس. راه نجات مردم ایران راه "انقلابات" مخملی، لبنانی و اوکرائینی و... نیست، بلکه راه انقلاب سوسیالیستی است. تنها با سوسیالیسم است که می توان به همه این ناهنجاری ها پاسخ داد و نوروزی برپا نمود که برازنده بهار و هماهنگ با آن است. نوروز سوسیالیستی ایران از سرپنجه کارگران قهرمان ایران و همه زحمتکشان دربند طلوع خواهد کرد، ... بقیه در صفحه ۸

پیام کنفرانس بین المللی...

مسیر، بر ما پوشیده نیست. آنها - گرچه دامن تحت فشارند - از زمان دیکتاتور خونخوار محمد رضا پهلوی خادم امپریالیسم آمریکای شمالی گرفته تا آخوندهای بنیادگرای اسلامی در شرایط امروز! با وجود کشتارها، تحمل حبس و زندان و انواع فشارها، رفقای حزب کار ایران (توفان) - با سرسختی - آرمانهای خود را دنبال کرده و هرگز از مبارزه بخاطر سوسیالیسم دست نکشیده اند.

باین خاطر است که ما - احزاب و سازمانهای عضو کنفرانس - از این محل (اکوادور) و از این منطقه (آمریکای لاتین) - جایی که مبارزات توده ای در آن پا گرفته و گشایشی در کار انقلاب بوجود آمده...، برای رفقای ایرانی این پیام همبستگی را فرستاده و از آنها می‌خواهیم که با قاطعیت تمام به مبارزه خود ادامه دهند - انقلاب چندان هم دور نیست.

پیروز باشید.

دهمین نشست سراسری کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست جهان در اکوادور.

تبلیغات امپریالیستها محصول ماشین جعلیات آنهاست

گزارشی از سفر بوش...

همگان برساند.

بوش را با ماشین ضد گلوله که آنرا همراه خود از آمریکا آورده بود از طریق تونل ضد گلوله ای که در شهر ماینس برای ورود وی به قصر "کورفورستن" با مخارج گزاف ساخته بودند به محل سخنرانی و حضور مدعوین منتخب بردند.

در این سخنرانی وی بدروغ اعلام کرد که با صدراعظم آلمان تنها بر سر مسایل مورد توافق به بحث نشسته است. حال آنکه نتیجه این مذاکره نشان میدهد که نه تنها مسایل مورد اختلاف به قوت خود باقی است بلکه بر کوه اختلافات مسایل جدیدی از جمله تجاوز به ایران، فشار به چین و روسیه نیز افزوده شده است. امپریالیست آلمان نتوانست با امپریالیست آمریکا کنار آید و بیش از این هم نمیشد انتظار داشت.

سپس جرج بوش به پایگاه نظامی آمریکا رفت که خانواده سربازان حاضر در عراق حضور دارند و با نطقهای احساساتی و سرایا دروغ و فریبکاری تلاش وافر کرد تا آنها را برای قربانی شدن در پای منافع انحصارات آمریکائی آماده کند. وی بعنوان مسیح نجاتبخش به عرصه آمد و ده فرمان رستگاری را به گوش قربانیان خویش رسانید.

بوش به اروپا آمده بود تا به آنها بگوید که قصد دارد سیاستهای گذشته خویش را ادامه دهد.

تغییر در لحن وی تغییر سیاست وی نیست.

این همه اقدامات امنیتی برای آن بود که دولت آلمان از نفرت مردم و خشم آنها نسبت به این تروریست قرن آگاه بود و واهمه داشت که خون وی در آلمان بر سنگ فرشها جاری شود و زمین رانجس کند.

از مدتها قبل نیروهای مترقی، معترض، آزادیخواه و بشردوستان آلمانی، نیروهای ضد جنگ جبهه وسیعی برای اعتراض به سفر جرج بوش ترتیب دادند.

حزب کار ایران (توفان) از جمله احزابی بود که فعالانه در تدارک این نمایشات از هر نظر چه معنوی، چه مادی و چه مالی شرکت داشت و با پخش هزاران اعلامیه فارسی و آلمانی مردم آلمان را در جریان نظریات کمونیستهای ایران در مورد امپریالیست آمریکا گذارد. اعلامیه حزب ما که از سفر آیت الله بوش به اروپا سخن میراند بسیار مورد توجه نیروهای مترقی قرار گرفت. آنها میدیدند که کمونیستهای ایران به همدردی با نیروهای مقاومت در عراق برخاسته و خواهان خروج بی قید و شرط و فوری نیروهای تجاوزگر استعماری از عراق هستند و دروغهای امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی را در مورد مخدوش کردن ماهیت آزادیبخش نهضت مقاومت خلق عراق برملا میکنند. این پیام از منطقه، از کشور ما ایران برای نیروهای مترقی اروپا بسیار امید بخش بود.

آنها میدیدند که کمونیستهای کشوری که جرج بوش با افسارگسیختگی خویش تهدید میکند که به کشورشان حمله کرده و خاک ایران را مانند عراق به توبره های "آزادیخواهی و دموکراسی خواهی" نوع آمریکائی بکشد از این تهدیدهای پر هیاهو واهمه نمیکند و حاضرند از استقلال و حیثیت کشورشان دفاع کنند.

آلمانها دیدند که کمونیستهای ایران مسئله

سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را با دست توانای مردم ایران و نه عمال امپریالیسم و صهیونیسم بدرستی و کمونیستی مطرح میکنند و معتقدند که مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جدا از مبارزه برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال ملی ایران نیست.

آلمانها دیدند که کمونیستهای ایران استفاده از انرژی صلح آمیز هسته ای را همانگونه که در قرار داد منع گسترش سلاحهای هسته ای به امضاء اکثریت قریب به اتفاق ممالک جهان رسیده است حق ایران میدانند، آنرا دستاورد مردم ایران دانسته و بر ادامه سیاست دستیابی به فناوری هسته ای پای میفشارند. این دستاورد ربطی به رژیم جمهوری اسلامی ندارد.

شرکت ایرانیها در این نمایشات اعتراضی ارزش ویژه ای داشت و مشت محکمی بر دهان دريوزگان سیاسی نظیر سلطنت طلبان، مجاهدین جاسوس، توده ای - اکثریتی هائی که برای "ایاد علاوی" جاسوس "سیا" دست زده و تجاوز جنایتکارانه امپریالیست آمریکا را به کشور مستقل عراق مورد تائید قرار میدهند و سعی میکنند آنرا تئوریزه کنند، میباشد. جرج بوش باید میدید که ایرانی ها فقط این اقلیت ناچیز گوش به زنگ و یا گوش به فرمان وی نیستند. ایرانیها ننگ اشغال ایران را هرگز تحمل نخواهند کرد همانگونه که در طی تاریخ ایران آنرا تحمل نکرده اند.

حزب کار ایران (توفان) نماینده واقعی مردم ایران و صدای مردم ایران در این نمایش اعتراضی بود. بهمین علت نیز در یک چشم بهمزدن اعلامیه های حزب ما سر دست چون ورق زر رفت. حزب ما به ۱۵ هزار شرکت کننده در این نمایش اعتراضی که بخش بزرگ بسیاری از آنها بعلت مسدود کردن بزرگ راهها، راه آهن قادر نشد خود را به شهر ماینس برساند تصویر روشنی از نقش جرج واکر بوش این نماینده کریه المنظر امپریالیستی نشان داد. ما در اطلاعیه خویش به زبانهای فارسی و آلمانی آوردیم:

"این رئیس جمهور نماینده امپریالیست آمریکاست و میخاود سیاست تجاوزکارانه خویش را در همه جهان ادامه دهد. تهدیدهای این امپریالیست خونخوار و بویژه تهدیدهای اخیرش علیه میهن ما ایران و دستاوردهای خلقهای ما که متعلق به همه مردم کشور ماست و نه مشتی حاکم مرتجع که موقتاً بر قدرت سیاسی تکیه زده اند به ملتهای جهان هشدار میدهد که به هوش باشند. از ملتهای جهان میطلبد که یکپارچه در مقابل این تهدیدها بپا خیزند و این بزرگترین خطر کنونی برای صلح جهان و بشریت را به جای خود بنشانند. امپریالیست آمریکا دشمن شماره یک بشریت است.

خلق قهرمان عراق در شرایط کنونی پرچم این مبارزه ملی و ضد استعماری را علیه این امپریالیسم در دست دارد و گور قوای اشغالگر را در عراق خواهد کند. تبلیغات امپریالیستها برای آنکه مبارزه توده ای و مقاومت ملی مردم عراق را که حدود دو سال است در جریان است تحریف کرده و به لجن بکشند در طول زمان ماهیت ریاکارانه خویش را نشان میدهد. آنها در تبلیغات خویش نیروی مقاومت مردم عراق را به "تروریسم" متهم میسازند. حال آنکه امپریالیست آمریکا خود بزرگترین تروریست و راهزن جهانی

است که حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها و ملتها را تهدید میکند.

سیاست امپریالیستها نشان میدهد که مبارزه علیه تروریسم از مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم جدا نیست.

تروریسم خوب و بد، خیر و شر ندارد. تروریسم آمریکائی همانقدر جنایتکارانه است که تروریسم صهیونیستها. رئیس جمهوری که فقط به بزرگی قدرت دروغهایش در پی فریب مردم متکی بود با این کارش نشان میدهد که از مردم جهان میترسد.

باید مردم جهان را علیه امپریالیستها و به ویژه امپریالیست آمریکا در یک جبهه وسیع دموکراتیک و آزادیخواهانه بسیج کرد.

نیروهای مترقی جهان باید برای خروج بی قید و شرط نیروهای استعماری از خاک عراق مبارزه کنند. مردم عراق برای حق تعیین سرنوشت خویش به قیم نیازی ندارند و انجام یک انتخابات قلابی برای روی کار آوردن یک دولت "مشروع" سیاسی نیز راه نجاتی برای امپریالیست آمریکا و انگلستان نیست.

خلقهای منطقه در ایران، عراق، ترکیه و فلسطین باید قلم پای امپریالیستهای آمریکائی را در منطقه بشکنند و استراتژی امپریالیست آمریکا را با شکست روبرو سازند. شکست امپریالیست آمریکا در منطقه یک شکست استراتژیک و دارای ابعاد تاریخی است.

حزب کار ایران (توفان) به مسافرت جرج بوش به اروپا که با نیت غازتگرانه صورت میگردد معترض است و اعلام میکند که با تمام قوا علیه خوشحیالی امپریالیست آمریکا برای تجاوز به ایران مبارزه میکند. سرنگونی رژیم ارتجاعی و تروریستی جمهوری اسلامی وظیفه مردم ایران است و نه یک رژیم ارتجاعی، متجاوز و تروریست جهانی که دستش به خون مردم عراق و فلسطین آغشته است. ما خود این وظیفه را به نحو احسن در خدمت حفظ دستاوردهای مردم میهنمان انجام خواهیم داد. امپریالیستها باید خویش را ببینند که سلطنت جنایتکارانه پهلوی را مجدداً در ایران بر سر کار آورند. جمهوری آتی ایران دیگر یک جمهوری مذهبی نخواهد بود بلکه بیک جمهوری مترقی و انسانی و انقلابی که یک جمهوری سوسیالیستی است ارتقاء خواهد یافت، تاریخ را باید به جلو سوق داد و نه به عقب و این جمهوری بر گور جمهوری اسلامی و سلطنت و متحدین امپریالیستی آنها جشن میگیرد.

حزب کار ایران (توفان) اول فوریه ۲۰۰۵.

در این میان هواداران تجاوز ناپدار امپریالیست آمریکا به ایران نیز در کنار فریادهای جرج بوش که نعره تجاوز به ایران را سر میداد اعلام میکردند که آنها نیز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را میطلبند. هر انسان سیاسی که دوروزی به مکتب سیاست رفته باشد میفهمد که این سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی آن سرنگونی ای نیست که کمونیستهای ایران مطرح میکنند. این سرنگونی در هنگام نمایش اعتراضی علیه بوش که در بوق جنگ با ایران و سرنگونی رژیم ایران میدمد دعوت از بوش برای حمله به ایران است. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بدون مبارزه علیه امپریالیسم

و صهیونیسم ... بقیه در صفحه ۸

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم

گزارشی از سفر بوش...

مطرح نیست و بی معناست. در غیر این صورت این سیاست سرنگونی مکمل سیاست سرنگونی جرج دبلیو بوش است.

وقتی نمایش دهندگان فریاد میزدند: "بوش گم شو"، "بوش به خانه ات برگرد"، "بوش تروریست شماره یک در جهان"، "تروریسم = امپریالیسم"، "حاکم کشور عراق را بدون قید و شرط ترک کن"، "دستت از ایران کوتاه باد" این یاران نقابدار امپریالیسم و صهیونیسم هوار میکردند که سرنگون باد جمهوری اسلامی و چه کسی بود که نفهمد درد دل این عده چیست. دلشان برای "تمدن" آمریکائی یکزهره شده و دعا میکنند که امپریالیست آمریکا بعنوان ناجی بشریت هر چه زودتر در یک سناریوی سفید بر "اسلام سیاسی" در ایران فائق آید.

جرج بوش در اروپا دید که در دریائی از نفرت شناور است و علیرغم تمام تبلیغات دروغین میزبانان امپریالیستی بوش، مردم این کشورها جبهه وسیع مبارزه علیه امپریالیسم را سازمان میدهند. شرکت عظیم جوانان در این تظاهرات شگفت آور، امید بخش و نشانه آن بود که آینده از آن ماست و نه یاران امپریالیستها و صهیونیستها.

مرگ بر امپریالیست آمریکا دشمن شماره یک بشریت.

دست امپریالیست آمریکا از ایران و عراق کوتاه باد

ما خواهان خروج بی قید و شرط امپریالیستها و در راستان امپریالیست آمریکا از عراق و منطقه هستیم.

استفسار از ولی فقیه

پرسشگر توفان: حضرت ولی فقیه! چنانچه یک مسلمة با یک نصاری مذکر نزدیکی کند چه حکمی در حق وی جایز است.

ولی فقیه: بسم الله الرحمن و الرحیم، در چنین موردی باید حکم سنگسار در مورد مسلمة جاری شود تا روح ائمه اطهار شاد گردد.

پرسشگر توفانی: آیا راه دیگری برای ممانعت از اجرای این حکم وجود ندارد؟

ولی فقیه: مرد نصاری باید به دین مبین اسلام مشرف شود و از مزایای این دین بهره مند گردد.

پرسشگر توفانی: آیا جاری ساختن حکم صیغه از زبان نصاری مجاز است و مشکل را مرتفع میکند.

ولی فقیه: چنانچه حکم صیغه جاری شود مانعی برای انجام فعل باقی نمیماند.

پرسشگر توفانی: حال اگر نصاری از بیان شهادتین خودداری کرد و از جاری ساختن حکم صیغه نیز سر باز زد تکلیف مسلمة چیست؟

ولی فقیه: در چنین مواردی نظریات گوناگون است برخی از مجتهدین که من نیز از زمره آنان هستم بر این نظرند که مسلمة باید از قول نصاری شهادتین را بر زبان آورده و و حکم صیغه را جاری سازد که خدائی نا کرده مشکلی پیش نیاید و عرش الهی نلرزد.

پرسشگر توفانی: آیا جایز است که در چنان وضعیت حساسی مسلمة موجب رنجش خاطر و شگفتی نصاری شود که چه بسا وی را به انصراف از نیتش بکشاند و موجبات رنجش خاطر طرفین را فراهم آورد. آیا مجاز نیست که مسلمة فقط در دلش نیت کند و آنرا بر زبان جاری نسازد؟ ولی فقیه: استغفرالله! در انصورت حکم سنگسار بیدرنگ بعد از انجام فعل باید اعمال شود.

پرسشگر توفانی: مجازات شخص نصاری چیست؟

ولی فقیه: فرد نصاری باید فوراً توسط برادران دستگیر شده و به اشد مجازات برسد.

پرسشگر توفانی: همانطور که جنابعالی مستحضرید وزیر امور خارجه آلمان آقای یوشکا فیشر که سراپا مسیحی و حتی بر اساس شایعاتی یهودی است با یک بانوی مسلمان و بی حجاب ایرانی دوستی نزدیک پیدا کرده و به قولی این بانو "گرل فرند" ایشان است و با ایشان در ملاء عام ظاهر شده و به این دوستی، حتی پیروزمندانه تظاهر نیز میکند. شواهد نیز حاکی از آن نیست که خطبه صیغه جاری شده باشد. پرسش این است که به چه مناسبت برادران حزب الهی یوشکا فیشر را در هنگامیکه در ایران حضور داشت دستگیر نکرده و سرزای اعمالش نرساندند و دستور پروردگار را در مورد وی به اجراء نگذاشتند؟ آیا صحت دارد که سیاست ولی فقیه ماکیاولیستی است و اسلامش مانند آچار فرانسه است که بهر پیچ و خمی میخورد؟ مبنایش فرصت طلنی و رنگ عوض کردن و ریاکاری و دورویی بجای اصولیت است؟

ولی فقیه: بنام خداوند بخشنده مهربان! جلاذ بزغ گردنش را تا فضولی زیادی نکند.

پیام نوروزی...

نوروزی که از ظلم و ستم آثاری نیست. و جز این نخواهد بود. حزب ما سال نو و نوروز را به همه مردم ایران تهنیت میگوید و برایشان در پیکار علیه رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی، امپریالیسم و مرتجعین رنگارنگ، پیروزی آرزومند است. پیروز باد نوروز خلقهای ایران!

سرنگون باد رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی! مرگ بر امپریالیست آمریکا و نوکران ریز و درشتش! حزب کار ایران (توفان)

اسفند ۱۳۸۳

شکست در سیاست...

ما میپرسیم آیا نماینده کیهان لندنی در میان آنها نبوده است؟ وی در حمایت از این عفریت خود فروخته در کیهان لندنی ارگان سیاسی سلطنت طلبان ایرانی مورخ ۱۵ تا ۲۱ بهمن ۸۳ در ستون بی سر و ته "یک هفته با خبر" های جعلی مینویسد: "... گمان من بر این است که دکتر ایاد علاوی همچنان مقام نخست وزیری را در دست خواهد داشت و یک دولت ائتلافی ملی سکولار اداره امور را عهده دار خواهد بود. علاوی مصمم است با مشارکت دادن همه طوایف و احزاب عراقی و گزینش وزرای کاردان بدون توجه به مذهب و نژادشان آشتی ملی و همبستگی را در کشورش به یک واقعیت تبدیل کند."

حال معلوم نیست آقای ایاد علاوی با کدام شگرد دموکراتیک میتواند با این ترکیب آراء نخست وزیر عراق شود. نباشد که از پرده سوم آقای نوری زاده با خبر باشد؟ همه این تبلیغات پوچ برای بسیج عراقیهای دو دل و حمایت از انتخابات تقلبی عراق با شکست مفتضحانه روبرو شده است.

گزارشگر مطلع کیهان لندنی پس از اینکه تعداد نمایندگان صاحب کرسی گروه های هوادار جمهوری اسلامی را از ۱۳۷ نفر که بدروغ اعلام شده بودند را به ۱۳۲ نفر، بدروغ تقلیل میدهد و ترکیب آراء را با قدرت بی نظیر تخیل خودش و تردستی کم و زیاد میکند تا از آنها ترکیب دلخواه خویش را بدست آورد سرانجام با دسترسی به علم غیب و سرّ ضمیر و مکونات قلبی مینویسد: "بعضی از نزدیکان آقای سیستانی نیز از دکتر حسین شهرستانی دانشمند اتمی عراق به عنوان نامزد مورد نظر او صحبت میکنند اما من اعتقاد دارم دل آقای سیستانی با علاوی است که یک شیعه سکولار و دولتمردی قابل و مورد اعتماد همه طوایف و احزاب عراقی است."

مورخ ۲۹ بهمن و ۵ اسفند (۱۳۸۳). وی در اینجا آرزوی پل برمر و رامزفد و خودش را از زبان دل آقای سیستانی بیان میکند. رژیم دست نشانده حاکم در عراق یعنی همین آقای ایاد علاوی، مظهر وحدت ملی عراق! همه صنایع کلیدی عراق را به مالکیت خصوصی در آورده و در اختیار امپریالیستها در عراق گذاشته است تا میتوانند غارت کنند. دامنه کامل خیانت این رژیم پس از سرنگونیش روشن میشود. از هم اکنون روشن شده است که آمریکانها بعد از بکار انداختن تلمبه های نفت برای استخراج نفت عراق از نصب شمارشگر (کنترهای تعیین مقدار استخراج نفت-توفان) خودداری کرده اند تا حساب و کتابی در کار نباشد. این امر حتی مورد اعتراض سازمان ملل قرار گرفته است که خودش ریشش در غارت عراق گرفتار است. بازار بده و بستان زیر رهبری ایاد علاوی خائن در عراق ادامه دارد. سلطنت طلبان ایران خواهان چنین حکومتی به رهبری نظام پادشاهی در ایران اند. خبرنگار کیهان لندنی حامی این مافیای قدرت، حامی تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران است. این دارو دسته های خائن کسانی هستند که از انتخابات قلبی عراق حمایت میکنند و وظیفه نیروهای انقلابی ایران است که آنها را برملا کنند. آنها توصیه گران چنین بلانی بر سر مردم ایران هستند. باید همگان را از این جانوران برحذر داشت.

جنایات رهبران صهیونیسم در فلسطین جنایت علیه بشریت است

شکست در سیاست...

نتیجه انتخابات جنگ قدرت در گرفته است. بعثت ایجاد ثبات در کشوری که از اعمال فخر متزلزل است می‌خواهند قبل از اعلام نتیجه انتخابات به مردم با تقسیم جدید قدرت در پس پرده تا حد ممکن رو دست هم بلند شوند و کنار بیایند، در غیر این صورت آشفته گی و خلاء قدرت همه جا گیر میشود. "دولت" "دموکرات و متمدن" اروپائی که خوشبختانه دموکراسی در ممالکشان "تهدیه" شده است نیز برای محکم کاری و در باغ سبز نشان دادن به آمریکا و شرکت در سهام غارت مردم عراق به این انتخابات تقلبی صحنه گذارده گذارند.

نشریه دست راستی دی ولت Die Welt چاپ آلمان در ۸ فوریه سال ۲۰۰۵ نوشت: "بروکسل- دول اتحادیه اروپا صرفنظر از مواضعشان در مورد جنگ عراق از انتخابات پارلمان عراق تجلیل کردند و آماده گی خویش را برای بازسازی عراق اعلام داشتند. وزرای خارجه اتحادیه اروپا در روز دوشنبه در بروکسل از "گام نخست مردم عراق در راستای تحقق دموکراسی، آزادی و صلح" سخن گفتند. باین ترتیب اروپا نیز در روز روشن در قبال چشم‌انداز حیرت زده مردم جهان با خونسردی بیرحمانه ای بر زیر نتایج قلبی انتخابات استعماری امضاء گذارد. چقدر برای چرب کردن سیبل امپریالیستهای اروپائی لازم بود تا بر این ننگ صحنه بگذارند بر ما معلوم نیست. ولی این نتایج آراء باب طبع ایران و شیعیان عراقی خود فروخته به آمریکا نبود و این بود که باید پرده دوم نمایشنامه بازی میشد. لذا روحانیت مکار شیعه ساکت ننشست و نخواست به این سانگی اجازه دهد که سرشان را کلاه بگذارند، آنهم کلاهی که همه عمامه آنها را در زیرش پنهان کند. آنها از معجزه فرار رسیدن ماه محرم و شهادت امام حسین و حضور زنجیرزنان و فمه زنان در صحنه استفاده کردند تا فشار محور رامنفلد- ایاد علوی را دفع کرده و سیاست پافشاری بر تقلب در تقلب را با تهدید به شورش در ماه عزاداری محرم با شکست رویرو سازند و ظاهرا در این امر موفق شدند. کمیسوین بی طرف انتخابات بار دیگر شرمگینانه بر صحنه حاضر شد و این بار نتایج قطعی!! را به اطلاع همگان رسانید. درحالیکه در بار گذشته نیز چنین جلوه میداد که نتایج قطعی را به اطلاع همگان رسانده است. حال چه موقع آخرین نتایج "قطعی تر" انتخابات اعلام شود به زور و تهدید طرفین قدرت بستگی دارد. در زمان اعلام نتایج قطعی در بار نخست حتی ترکیب دولت را نیز اعلام کرده بودند و نقش تعیین کننده را به کردها واگذار کردند که گویا بدون نظر آنها هیچ تصمیمی قابل اجراء نیست. به سخن دیگر این کردها بودند که "شاه" را تعیین میکردند و نقش کلیدی داشته و نقش معمار تعیین اکثریت را بازی میکردند. حال بیچاره اکراد هیچکاره شده اند و باید بر آینده خویش بلرزند. در این جا بود که عمر سیاست تقلب در تقلب با شکست مفضحانه ای به پایان رسید. حتی مطابق آراء قلبی در صندوقها ۳۸۸ ۸۷۲ ۵ نفر در انتخابات که ۴۱ درصد مردم عراق است شرکت نکرده اند. مطابق همین آمار تقلبی نمیتوانند ۴۱ درصد مردم عراق آنطور که بدروغ تبلیغ میکنند فقط شامل سنی ها باشند. سنیها در عراق فقط ۱۳ درصد هستند و لذا باید ۲۸ درصد سایرین اکراد و شیعه ها و سایر مذاهب و با اقوام و اقلیتها باشند. این آمار تقلبی نشان میدهد که جبهه مقاومت بر اساس قومیت و مذهب متمایز نمیشود و همه میهنپرستان عراقی اعم از کرد و عرب و ترک و شیعه و سنی و مسیحی در تحریم انتخابات شرکت داشته اند. این را ما نمیگوئیم آمار تقلبی خود آنها

میگویند.

از همه جا مانده و از همه جا رانده

انتخابات عراق در عین حال تمایز روشنی میان دوستان و دشمنان انقلاب کشید. حزب توده ایران مسرورانه و با شهامت در تأیید این انتخابات استعماری در تحت سلطه خارجی که ۱۱ روز تمام و نه کمتر و نه بیشتر قبل از انقلاب شکوهمند بهمین و با حضور گسترده خود، اولین انتخابات این کشور در دوره پس از صدام را برگزار کردند" و باین ترتیب به حزب برادرش که به خیانت خود به مردم عراق و همدستی با امپریالیستها و ایاد علوی افتخار میکند دلگرمی داد. حزب رویزیونیست عراق که برادر حزب توده ایران است در همدستی با ایاد علوی این عامل سازمان "سیا" به فریب مردم عراق مشغول شد و حزب توده ایران نیز به وی برای این همکاری تبریک گفت و اشغال امپریالیستی عراق را مورد تأیید قرار داد. مبارزین عراق تا کنون ده ها نفر از این خائنین را به سزای اعمال جنایتکارانه خویش که تحت نام دروغین کمونیست صورت میگیرد رسانده اند. ما برای آنها موفقیت فراوان و فعالیت پربرتر برگزار شد نوشت: "مردم عراق در روز ۱۱ بهمن ماه (۳۰ ژانویه) در شرایط بس بغرنج و بی سابقه اشغال خارجی، و در حالی که موجی از آتش و خون، کشور را فرا گرفته بود، با شهامتی تاریخوارو میکنیم. حزب برادر توده ایها در عراق بعد از اینکه به بهترین وجهی مورد بهره برداری استعمار قرار گرفت و به همه انواع خیانتها تن در داد و کسی دیگر حاضر نبود بر جنازه اش اشک غمی بریزد مانند حزب اصلیش در ایران مورد پاکسازی ارتجاع قرار خواهد گرفت و اعضاء و کادرهای فریب خورده و خوش خیالش از دم تیغ تیز ارتجاع خواهند گذشت. این حزب خود فروخته چون قابدستمالی از طرف ارتجاع به زیاله دان تاریخ خواهد افتاد. باید منتظر تحولات بعدی در عراق بود. در زمانیکه هنوز پرده نخست تقلب بازی میشد سلطنت طلبان ایرانی نیز جشن گرفتند زیرا هم قوای استعمار را در عراق پیروزمند میدیدند و بر رویاهای خویش سربازان آمریکائی را در ایران تصور میکردند و هم نقش جمهوری اسلامی در عراق را نقش بر آب میدیدند و از "موفقیت" مانور آمریکا و ایاد علوی سرشاد بودند. آنها از شوق این پیروزی استعمار چندین بار به زیر سلطه استعمار و صحت انتخابات قلبی عراق امضاء های خویش را گذارند و انگشتان خویش را در همدردی با آمریکائیا به رنگ آبی در آوردند. حال که پرده دوم بازی میشود گیج شده و نمیدانند که چه موضعی اتخاذ کنند. آیا هنوز انتخابات "دموکراتیک" عراق را میشود "دموکراتیک" نامید و یا باید از هم اکنون در پی دبه در آوردن بود؟ همین مشکل سلطنت طلبان مشکل سازمان مجاهدین خلق نیز میباشد و در آینده نزدیک به مشکل کردهای خود فروخته و همدست امپریالیست و استعمار در عراق نیز بدل میگردد. واقعا اگر سیر حوادث در جبهی سیر کند که نفوذ جمهوری اسلامی در عراق افزایش یافته و با فروش نفت عراق به آمریکا سازش ایران و آمریکا کامل شود این خودفروخته گان ایرانی چه خاکی به سرشان خواهند کرد. بدیهی است که مبارزه جبهه میهن پرستان عراق که برای رهائی عراق از چنگال استعمار مبارزه میکند این تضادها را تشدید خواهد کرد. اینها از همه جا مانده و از همه جا رانده شدگان اند و بر نیروهای انقلابی است که نگذارند بیچاره رنگ عوض کنند.

ورقی بر حافظه تاریخ

ولی خوب است که مجدداً به تقلب نخستین برگردیم و

اسناد جدیدی را به اطلاع خوانندگان "توفان" برسانیم. انتخابات نوع عراقی که این چنین مورد تأیید رویزیونیستها و عمال امپریالیست است در حد خود منحصر به فرد نیست. تاریخ مبارزه مردم سراسر از این گونه جعلهای تاریخی است که ما به دو نمونه آن اسنا میکنیم:

در ۴ سپتامبر سال ۱۹۶۷ نشریه نیویورک تایمز گزارشی در مورد انتخابات فرمایشی رژیم دست نشانده امپریالیست آمریکا در سرزمین اشغال شده ویتنام در بخش جنوبی آن منتشر کرد. مبتنی بر این گزارش ۸۳ در صد مردم ویتنام جنوبی در انتخابات دموکراتیک و آزاد، آنطور که رژیم دست نشانده آمریکا ادعا میکرد، بطور گسترده و اعجاب انگیز شرکت کردند. رسانه های "آزاد" و "دموکرات" امپریالیستی مملو از خبر پیروزی "انتخابات دموکراتیک" در ویتنام جنوبی بود که بر مشروعیت اشغال ویتنام توسط آمریکا صحنه میگذاشت. آمریکائیا از گزارش نیویورک تایمز "شگفت زده شده!" و نتایج انتخابات را "علیرغم اینکه ویت کونگ کارزاری تروریستی علیه انتخابات به پیش می برد" به مثابه حمایت عظیم از سیاست آمریکا در ویتنام جنوبی توسط مردم تلقی کردند و اظهار شادی نمودند. آیا شباهتی بین این دو موضعگیری امپریالیستها در مورد عراق و ویتنام کشف نمیکند؟ آیا شباهتی میان سرنوشت امپریالیست آمریکا در ویتنام و عراق کشف نخواهید کرد؟ نشریه فوق نوشت: "نمایندگان آمریکا غافلگیری و خرسندی خویش را از حضور گسترده شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری در ویتنام جنوبی علیرغم تهدید تروریستها برای تخریب آن ابراز داشتند"، نشریه نیویورک تایمز از قول خودش افزود: "گسترده گی انتخابات و ناتوانی ویت کونگ در ممانعت از انجام انتخابات دو واقعیت برجسته ارزیابی کنونی ما در باره انتخابات است." حال به نکاتی درمورد انتخابات دانمارک در سال ۱۹۴۳ در تحت سلطه اشغالگران نازی توجه کنید. در ۲۳ مارس ۱۹۴۳ انتخابات "آزاد و دموکراتیک" همانند "انتخابات آزاد" عراق، تحت فرماندهی هیئر فاشیست در دانمارک نیز صورت گرفت. دولت دست نشانده اسکاونیوس دانمارک همچون دولت آقای ایاد علوی در عراق با کارگردانی رژیم نازیست آلمان با هیاهوی آزادیخواهی و مشروعیت بخشیدن به اشغال فاشیستی به اجرای انتخابات پارلمانی دست زد. طبق تصمیم دولت دانمارک که مستقیماً از طرف آلمانها دیکته میشد، آن دسته از احزاب و سازمانها که مخالف اشغال و علیه سلطه آلمان بودند و به اشکال مختلف علیه قوای بیگانه می رزمیدند، از شرکت در این انتخابات محروم گشتند. تو گویی مردم دانمارک علیه اشغال کنونی عراق و جرج واکر بوش میرزمیدند. تو گویی "تروریست" های دانمارکی ضد اشغال و ضد هیئر فاشیست، اکنون علیه امپریالیست آمریکا و بوش فاشیست می رزمند. شگفتا از این همه تشابه تاریخی! حزب قهرمان کمونیست دانمارک که یکی از پیگیرترین نیروهای ضد فاشیست بود از سال ۱۹۴۱ ممنوع اعلان گشت و به فعالیت مخفی روی آورد. این حزب طبیعتاً نمی توانست در انتخابات شرکت جوید زیرا ضد اشغالگران بود و از همین روی از شرکت در انتخابات محروم گشت و حال این موضعگیری تاریخی همه کمونیستها را با موضعگیری حزب خائن توده ایران و حزب رویزیونیست عراق که برادر توی این حزب توده ایران است و همدستی با استعمار و اشغالگران را توصیه میکند قیاس کنید. آیا احساس تهوع نمیکند؟

در انتخابات دانمارک ... بقیه در صفحه ۱۰

سازمانهای سلطنت طلب نوکران امپریالیست آمریکا هستند

شکست در سیاست...

پنج حزب قانونی که از سیاستهای آلمان و از جبهه بلغارستان، فنلاند، کراسی، رومانی، اسلواکی و دولت دست نشانده چین تحت اشغال ژاپن امپریالیستی که در مجموع بلوک قدرتمند جبهه فاشیسم ایتالیا، آلمان و مجارستان را تأیید میکردند و مخالف مبارزه، "تروریستها" (بخوانید رزمندگان ضد اشغال عراق- توفان) علیه قوای اشغالگر بودند، مجموعاً صاحب ۱۸۹۸۳۶۹ رای گردیدند. حزب نازیست دانمارک صاحب ۶۷۹۶۸ رای گردید و اقلیت آلمانی تبار در دانمارک اساساً در انتخابات شرکت نکرد.

جالب توجه اینکه در خلال این انتخابات همانند انتخابات عراق، عملیات مسلحانه ای علیه کارپردازان فاشیست و قوای اشغالگر صورت گرفت. این عملیات همانند آنچه در عراق جریان دارد، بعنوان "عملیات تروریستی و ضد قانون و ضد نظم" محکوم و به شدت سرکوب می گردید. دولت مزدور دانمارک بعنوان بلند گوی تبلیغاتی فاشیست هیئتلی از آزادترین انتخابات دمکراتیک سخن میگفت و همانند ایاد علاوی این گمناشته جرج واکر بوش اعلان داشت که تعداد شرکت کنندگان در انتخابات بیش از ۸۹٫۵ درصد بوده است. لیکن شش ماه از انتخابات دانمارک اشغالی نگذشته بود که دولت کارگزار دانمارک در اوت ۱۹۴۳ ساقط گردید و ژنرال آلمانی هرمان فن هانه کن Hermann von Hanneken خود مستقیماً زمام امور را در دست گرفت، خود را هم قانون گذار و هم مجری قانون اعلان داشت. روشن نیست دولتی که نزدیک به ۹۰ درصد آراء مردم را با خود داشت چگونه بعد از شش ماه بیکباره سقوط کرد؟

لازم به اثبات نیست که که انتخابات "آزاد" در چارچوب نیروی اشغالگر انطور که در دانمارک و ویتنام در ۱۹۶۷ رخ داد نمی توانست آزاد، دمکراتیک و پایدار باشد و از همین رو دیری نپایید و فرو پاشید. اینگونه انتخابات فاقد هرگونه اعتبار و ارزش سیاسی اند و تاریخ بطلان این گونه شعبده بازیها را به اثبات رسانده و انتخابات قلابی عراق را این قاعده مستثنی نخواهد بود. ادعای امپریالیستها که گویا در ممالک اشغالی میتوان انتخابات "آزاد" صورت گیرد حاکی از آن است که گویا در زمانیکه یوگسلاوی، یونان، آلبانی و فرانسه زیر چکمه های نازیها خون میریختند میشد در این ممالک حکومتهای منتخب مستقر ساخت. حامیان انتخابات تقلبی در عراق اشغالی در حقیقت همدستان هیئتلرند. جرج گالووی George Galloway نماینده حزب کارگر انگلیس انسان شرافتمندی است که از حزب کارگر انگلستان اخراج شده است. دلیل اخراجش این بود که پس از رو شدن شکنجه های اسرای عراقی به سربازان انگلیسی هشدار داد "از فرمان های غیر قانونی پیروی نکنند". اخراج وی دلیلی بر ادامه سیاست شکنجه و اجرای فرامین نامشروع می باشد. وی در مورد انتخابات عراق اظهار داشت: "این انتخابات مسخره است. مخدوش است. انتخابی که در شرایط اشغال نظامی قدرت خارجی برگزار شود، از نقطه نظر تعریف کاملاً ابهام انگیز است. لیکن انتخاباتی که در چنین شرایطی برگزار میشود بهیچوجه قابل تأیید نیست. اساساً از نظر عینی برگزاری انتخابات غیر ممکن است، آنهم در شرایطی که جنگی میان قوای اشغالگر و رزمندگان مقاومت با همه جوانبش در این کشور در جریان است. مردم مسلمان سنی... که تقریباً ۴۰ درصد را تشکیل میدهند، عمیقاً از ترس واقعی در مورد نحوه و شیوه کار قوای اشغالگر که تلاش میکنند کشور را در امتداد مرکزگی مذهبی تجزیه کنند، رنج میبرند. مردم عرب

سنی مذهب انتخابات را عملاً در کل تحریم کردند. سه چهارم عراقی ها که در خارج از عراق زندگی میکنند و برای آنها از نظر امنیتی مشکلی وجود ندارد در انتخابات با شرکت کرده اند یعنی به عملهای اخذ رای نرفته اند".

انتخابات در شهر ارواح

"شهریه اتریشی ۲۴ ساعته کوریر" مینویسد ۱/۲ میلیون عراقی که در خارج زندگی میکنند، فقط ۲۸۰۰۰۰ نامنویسی کرده اند. اینکه از این تعداد چند نفر از ترس متهم نشدن به تروریسم در رای گیری شرکت کرده و چه نوع رایی داده اند روشن نیست.

یکی از نشریاتی که در کنار "نامه مردم" متعلق به حزب توده ایران مأموریت داشت انتخابات تقلبی عراق را وارونه جلوه دهد کیهان لندن ارگان سیاسی سلطنت طبلان و زبان غیر رسمی پنتاگون در ایران است. آنها در ستون اول صفحه دوم ارگان خود مورخ ۱۵ تا ۲۱ بهمن ۱۳۸۳ نوشتند: "برگه های رای در کشور سوئیس چاپ شده بود و ۱۲۶۴۲ مأمور هیات عالی مستقل نظارت بر انتخابات با گذراندن دوره ویژه آموزشی وظیفه داشتند بر سلامت انتخابات نظارت کنند". همان نشریه در چند ستون بعد در همان صفحه ستون ۸ مینویسد: "هیات عالی مستقل نظارت انتخابات، صحت و سلامت انتخابات و نتایج آن را زیر نظر داشت. این هیات ۶۲۶۴۲ مأمور برای نظارت بر انتخابات داشت که همگی آنها دوره آموزشی ویژه ای گذرانده اند. ۱۲۸ تن از این مأموران نمایندگی سازمانهای مختلف بین المللی را در استانهای هیجده گانه عراق به عهده دارند و علاوه بر آنها احزاب مختلف شرکت کننده در انتخابات نیز هر کدام ناظرهای خاص خودشان را پای صندوقهای رای گماشتند". یکی از قلمبیدستان کیهان لندن بنام علیرضا نوری زاده که بندهاز ماهری است و سرش به همه جا بند است و اخبار غیر موثق موجب خنده و سرگرمی خوانندگان کیهان لندن است در روده درازی و خود ستانی تهوع آورش در ستون "یک هفته با خبر" در تحت حمایت نیروهای آمریکائی و انگلیسی و لباس شخصیهای اسرائیلی اخبار جعلی زیر را مخابره کرده است: "در بقعوبه مرکز استان رمادی که بنا به پیش بینی الجزیره قرار بود کسی به پای صندوقهای رای نرود. (همین پیش بینی را در رابطه با فلوجه و تکریت نیز کرده بودند) هزاران شیعه و سنی، کرد و عرب و آشوری و ترکمان به پای صندوقهای رای رفتند تا نمایندگان خود را برگزینند.

در عبور از حوزه های رای گیری می بینیم که مردم چه آرام و با نظم بازرسیهای بدنی و تامل در اوراق هویتشان را بدون هیچ اعتراضی تحمل میکنند. بیش از ۲۵۰۰۰ ناظر محلی و ۱۳۰ ناظر بین المللی انتخابات را زیر نظر دارند و در همه حوزه های رای گیری نمایندگان احزاب و گروههای شرکت کننده در انتخابات حضور دارند تا مبدا به حق کسی تجاوزی صورت گیرد".

در همین چند جمله بی سر و ته تعداد ناظران آموزش دیده از ۱۲۶۴۲ نفر بیکباره به ۶۲۶۴۲ نفر افزایش یافته و چون تعداد این ارتش انبوه ناظرین کمی شک برانگیز است آنرا در چند سطر بعد به ۲۵۰۰۰ نفر تقلیل میدهند. در حالیکه همه خبرگزاریهای دروغگوی جهان مکان نظار بین المللی را در امان پایتخت اردن اعلام کرده اند که از راه دور انتخابات را کنترل میکنند، کیهان لندن این استعداد عوامفریبی

را دارد که در خواننده القاء کند نظار بین المللی در خاک عراق و بر سر صندوق های انتخاباتی حضور دارند تا مردم باورشان شود که این انتخابات تقلبی نبوده است. البته حضور نظار بین المللی که با امپریالیستها همکاری میکنند و گزارش مخدوش میدهند امر جدیدی نیست. حتی اگر واقعا چنین نظاری بر بالای سر صندوقها شب را به روز و روز را به شب میرسانند و تحمل این ده روز خطر را میکردند باز هم در نتیجه تقلبی این انتخابات تأثیری نداشت. واقعیت این است که هیچ ناظر بین المللی حاضر نشد این ننگ را بپذیرد و به عراق برود. همه نظار جهانی در هلتهای امان در پی خوشگزرانی بودند. آقای هرنز کیرشنر در گزارشی که در مورد انتخابات عراق نوشته است در بخشهای سنی نشین می آورد: "مثلاً در تکریت حتی یک حوزه انتخاباتی هم نبود که بتواند کارش را شروع کند. حتی در شهرهایی با حوزه انتخاباتی تعداد آراء قابل توجهی وجود نداشت. مثلاً در سامره که شهری بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت است فقط ۱۴۰۰ رای به صندوق ریخته شده است که برابر تعداد مأمورین انتظامی حاضر در محل است". بخش فارسی بی بی سی در گزارش ۲۲ ژانویه خود آورد که "بیش از یک میلیون عراقی دارای حق رای هستند اما تا روز پنجشنبه چهارمین روز ثبت نام کمتر از یک دهم عراقی هایی که در خارج از کشور زندگی میکنند برای شرکت در انتخابات نام نویسی کردند". نشریه "اخبار کوریر" مورخ سه شنبه اول فوریه ۲۰۰۵ نوشته است که از "۱/۳ میلیون عراقی مقیم خارج که درست از روز جمعه میتوانستند آراء خویش را به صندوق بریزند فقط ۲۸۰ هزار نفر برای انتخابات ثبت نام کرده اند". همان خبرگزاری بی بی سی برخلاف دروغهای نماینده "متعهد و صمیمی" اعزامی کیهان لندن که سابقاً از مریدان خامنه ای و خاتمی و حامی نمایش مسخره کنفرانس برلن بود گزارش داد: "اما در شهرها و مناطق سنی نشین شمال و غرب بغداد از جمله فلوجه، رمادی و سامرا تعداد کمی حوزه اخذ رای باز بود و نشانی از رای دهندگان به چشم نمیر خورد". آنچه را که گزارشگران بی بی سی با هفت هشت تا چشم ندیده اند آقای نوری زاده که شخص بسیار مطلعی هستند با چشم بیطرفی بیاری عمال سازمانهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل دیده اند. "نشریه اینترنتی اسپیکر" در ۸ فوریه ۲۰۰۵ گزارش میدهد: "که فقط ۱۵ هزار واجدین شرایط رای دهی بعلت وضعیت نا امن در بارتلا در نزدیکی موصل نتوانسته اند در انتخابات شرکت کنند". در همان نشریه از قول همان هیات نظار معروف که ناظر صحت و سلامت انتخابات هستند میآید: "در موصل و اطرافش بسیاری از ناظرین از ترس سوء قصد در روز انتخابات به یکباره فرار کرده اند. به نظر آنها این دلیل آن است که بسیاری از مردم نتوانستند انتخاب کنند. از ۳۳۰ حوزه های انتخاباتی محلی فقط یک سوم آنها باز بودند. بسیاری از حوزه های انتخاباتی از جانب نیروهای مسلح غارت شدند و صندوقهای رای و آراء موجود به غارت رفت. درست بعد از انتخابات نمایندگان سنی ها و اقلیت مسیحی در مورد نادرستی انتخابات شکایت کردند". "نشریه اینترنتی دی پرسه" نوشت: "سایه سنگین اتهام تقلب در انتخابات بر دستگاه اداری کردها در منطقه اربیل سنگینی میکند. آسوری های مسیحی کردها را متهم میکنند که به آنها اجازه اخذ رای نداده اند بطوریکه ۱۰۰۰۰۰ آسوری از حق انتخاب کردن محروم شده اند". عین همین اتهامات در منطقه کرکوک وجود دارد بطوریکه "جبهه عراقیهای ترکمن" که به ترکیه ... بقیه در صفحه ۱۱

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

برنده گان انتخابات تقابلی

همین نویسنده بسیار مطلع در کیهان لندن مورخ ۱۷ تا ۲۳ دیماه ۸۳ با دست داشتن به اسرار و خبرهای دست اول می نویسد: "مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق به رهبرى عبدالعزیز حکیم. این گروه بیشترین بودجه را برای فعالیتهای خود و تبلیغات انتخاباتی در اختیار دارد. به گفته یکی از مسئولان امنیتی عراق (که ظاهراً خبرنگار کیهان لندنی مورد اعتماد کامل وی است- توفان) به طور متوسط مجلس اعلا ماهیانه ۲۵ تا ۳۵ میلیون دلار از جمهوری اسلامی کمک دریافت میکند..."

در مقاله فوق، این خبرنگار مطلع ماهیت حزب الدعوه را که از رژیم جمهوری اسلامی کمک مالی میگیرد و بدست سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دهه ۶۰ تشکیل شده است بر ملا میکند و سپس گوشه اشاره ای هم به احمد الشبلی رئیس کنفرانس ملی عراق دارد که نزدی مشهور و همدست جمهوری اسلامی است. این ملغمه در انتخابات "دموکراتیک" عراق اکثریت مطلق آرا را در پرده دوم بدست آورده است. آنوقت چنین حکومت و انتخاباتی مورد تائید کیهان لندنی و متحدین توده ایش است؟ نویسنده فوق سپس در تجلیل از عامل استعمار ایاد علاوی داد سخن داده است و وی را لائیک، مترقی مستقل هوادار تقاهم ملی و... به حساب آورده است. بر اساس این تحلیلها منطقی نباید این انتخابات قلابی در عراق مورد تائید کیهان لندنی باشد. ولی ما شاهدیم که آنها بدستور آمریکا به جعل حقایق مشغولند، حتی اگر این اکاذیب به نفع جمهوری اسلامی ایران تمام شود. اما این حرکت "تقاهم ملی" آقای ایاد علاوی از امکانات تبلیغاتی و مالی فراوانی برخوردار است که خبرنگار کیهان لندنی در موردش سکوت میکند و مجدداً به بیماری دموکراتیک و مصلحتی فراموشی دچار میشود. دارو دسته ایاد علاوی از National Endowment for Democracy و National Democratic Institute for International Affairs در آمریکا ده ها میلیون کمک مالی دریافت کرده است تا در این انتخابات "دموکراتیک" با دادن رشوه به سران عشایر، با تلمیح و تهدید پیروز شوند. این موسسات آمریکایی همان موسساتی هستند که از این گونه کمکهای مالی غیر دولتی به انتخابات هائیتی، اوکراین و ونزوئلا کردند. "نشریه اینترنتی اشترن" در بخش پاروناما در تاریخ ۲۰۰۵/۲/۱۴ می نویسد: "شایعاتی وجود دارد که ایاد علاوی برای کسب رای به روسای قبایل رشوه داده است". که البته از دلفکی مانند وی بیش از این نباید انتظار داشت.

آقای "مک گاف Mc Geough" خبرنگار نشریه "سیدنی مورنینگ هرال" Sidney Morning Herald از قول شاهدان عینی مینویسد که آقای ایاد علاوی اسرای عراقی را در حالیکه چشمبند داشته و دستا نشان از پشت بسته بوده است با هفت تیر شخصاً با دستان خویش در مقابل مامورین انتظامی به قتل رسانده است. (نقل از منالوگ مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۴). مشهور است که وی در توصیه به ویرانگران شهر فلوجه گفته است "له شان کنیدا!"

همین آقای علاوی به نقل از نشریه فایننشال تایمز Financial Times ۱۰ ژانویه ۲۰۰۵ به قلم "استیو نگوس Steve Negus" در پایان یک مصاحبه مطبوعاتی نمایندگان رسانه های گروهی عرب زبان را به اطاق پشتی فراخوانده و بهر کدام برای "خبرهای خوب" صد دلار دستخوش داده است.

بقیه در صفحه ۸

شونست و توده ای و اکثریتهای رویزیونیست حقیقتاً نفرت انگیز است منطقاً این عده باید این حق را در کشور ما ایران برای همه یهودیانی که خاک ایران را ترک کرده و نظیر رئیس جمهور کنونی اسرائیل و منشه امیر و نظایر آنها میهن ما را به بمباران و ویرانی تهدید میکنند قایل شوند و سرنوشت مردم ایران را بدست این جنایتکاران صهیونیست بسپارند. حزب ما این درک جدید "دموکراتیک" را به آنها تبریگ میگوید.

مضحک ترین آراء، آراء ۲۲ هزار واجدین اخذ رای سنی مذهب است که به "حزب اسلامی عراق" رای داده اند. جالب این است که این حزب اساساً انتخابات را تحریم کرده بود و هوادارانش در انتخابات شرکت نکردند ولی رژیم دست نشانده عراق نام این حزب را از روی ورقه های رای حذف نکرد و باین ترتیب در ورقه رای نام احزاب و افرادی به چشم میخورد که اساساً در انتخابات حضور نداشته اند. طبیعی است که در هر کشور دموکراتیکی این آراء مخدوش است و انتخابات باطل اعلام میگردد ولی در کشور تحت اشغال عراق نه تنها انتخابات مخدوش اعتبار دارد بلکه تعداد این ۲۲ هزار رای را نیز برای افزایش درصد شرکت کنندگان در رقم ۵۹ درصد به حساب آوردند (همانجا). آیا آقای نوری زاده مطلع در اخبار موثق این حقایق را ندیده است؟

"نشریه اخبار بی وقفه کوریر" که یک نشریه لژیسی است در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ مورد انتخابات موصل نوشته است "که از ۱/۳ میلیون واجدین شرایط در موصل فقط ۲۲۰ هزار نفر در انتخابات شرکت کرده اند". این نشریه دلیل عدم شرکت سایرین را در انتخابات قلابی واهمه از موشک و ترور و نه تحریم انتخابات جلوه داده است. تازه همین ۲۲۰ هزار نفر نیز سر از سبصد صندوقی در آورده اند که "آنها را وارونه مهور کرده بودند". مامور بی سواد منقلب در حقیقت فراموش کرده است پس از پر کردن صندوقهای رای نوار کنترل را بدرستی بر در آن ببندد و نه بر ته آن و سپس آنرا مهور کند تا امکان باز کردن مجددش مقدور نباشد. وی بدرستی فکر کرده که برای این "حماسه انتخاباتی" چه فرقی میکند که آراء بی سر و ته در صندوقهای انداخته شوند که بجای در آنها، ته صندوقها مهور شده است. انتخابات قلابی که سر و ته ندارد. خبرنگار کیهان لندنی که از وی سخن رفت و بارها دشمنی خویش را با احزاب شیعه هوادار جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده است و به مجاهدین خلق در عراق تاخته و ناسزا گفته است و مدعی بوده و هست که عراق سراسر مملو از پاسداران رژیم جمهوری اسلامی است و در عین حال از تجاوز امپریالیستها به عراق حمایت کرده و در نتیجه مورد نفرت نهضت مقاومت مردم عراق نیز میباشد در مورد وضعیت خودش در عراق مینویسد: "به عنوان تحلیلگر ویژه صدای آمریکا به اینجا آمده ام - و خیلی طبیعی است که باید هزارگونه احتیاط کم تا چشم نامحرمان ولایت فقیه به من نیفتد، همسر و مادر و فرزندان دوستان گران را نیز باید در نظر داشت. چنین است که با گروهی حرکت میکنم که پوشش و حمایت کامل نصیب آنهاست". (تکیه از توفان).

این نویسنده و خبرنگار مطلع که خبرهایش موثق است جملات را بیچنانچه تا در لابلای آنها حقایق را مستور کند تا کسی متوجه نشود که وی در زیر چتر حفاظت ارتش آمریکا و سازمانهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل به عراق رفته است و از دید آنها اخبار جعلی را به خورد مردم ایران میدهد.

شکست در سیاست...

نزدیک هستند، ادعا میکند که کردها سهم انتخاباتی خود را با "واردات" آرم افزایش داده اند، در حالیکه مناطق غیر کرد تعداد کمی ورقه های اخذ رای دریافت کرده اند. هیات نظارت انتخاباتی در بغداد میخواهد به این اتهامات رسیدگی کند. البته ادعای این رسیدگی ها برای تسکین افکار عمومی است و نوش داروی پس از مرگ سهراب خواهد بود.

دولت ترکیه رسماً به تقلبات انتخاباتی در کرکوک که توسط ناسیونال شونیستهای کرد که مدعی "اجرای دموکراسی" هستند انجام شده است اعتراض کرد و اظهار داشت که ترکیب پارلمان عراق بیان ترکیب واقعی اقبال اجتماعی در عراق نیستند. البته ارتش آمریکا در ماه دیماه برای اینکه انتخابات قلابی بی درد سر اجراء شود بیانیه ای صادر کرد و نوشت: "ارتش آمریکا خود را برای پاکسازی مناطق مختلف موصل آماده میکند و لازم است مردم این شهر از موصل خارج شوند".

رادیوی آزاد عراق خبر داد: "بالگردهای ارتش آمریکا در روزهای پایانی هفته گذشته بارها مناطق المیثاق، الوحده، النسر و البرموک واقع در بخش جدید شهر موصل را بمباران کردند".

باور میکنید که آنوقت در چنین شرایطی باید در موصل انتخابات آزاد برگزار شود؟

در گزارش آقای نوری زاده که فرد مطلعی از قلمبستان کیهان لندنی ارگان فارسی زبان پنتاگون است از حضور عظیم یهودیان اسرائیل برای شرکت در انتخابات عراق کوچکترین سخنی به میان نیامده است. جای شگفتی است که این فرد مطلع که اطلاعاتش همیشه موثق است چگونه بر این امر مهم که حتی دولتمردان اسرائیلی نیز آنرا اعلام کرده اند چشم پوشیده است. آیا این فراموشی بر ایشان قابل بخشایش است؟ نباشد که از محافظین اسرائیلی خویش در عراق، خدائی نکرده هراس داشته باشد؟ بنیامین بن الیزر Benjamin Ben Eliezer وزیر سابق جنگ اسرائیل در ۱۲ سالگی خاک عراق را به عنوان یهودی ترک کرده است. این آقای اسرائیلی و صهیونیست سوگند خورده و قاتل هزاران عرب فلسطینی و عراقی و مصری و لبنانی و سوری و... بر اساس قانون استعماری انتخابات، مصوب پل برمر مامور استعمار و نوکرش ایاد علاوی مسلمانان شیعه حاکم، دارای حق رای در کشور عراق است و میتواند به عنوان یک عراقی اصیل در عراق رای دهد. تعجب نکنید، درست فهمیده اید. وزیر جنگ اسرائیل که دستش به خون اعراب تا آرنج آغشته است حق تعیین سرنوشت مردم عراق را بر اساس شرایط انتخاباتی مصوب پل برمر این مامور استعمار دارد و حکومت دست نشانده استعمار که حتی حامیان جمهوری اسلامی ایران نیز در آن حضور دارند به این امر اعتراضی ندارند.

نشریه "عناوین مقالات اسرائیلی" در تاریخ ۲۸ ژانویه ۲۰۰۵ مینویسد که "۲۴ هزار نفر اسرائیلی میتوانند در انتخابات عراق شرکت کنند. این اسرائیلیهای عراقی میتوانند در پایتخت اردن حکومت مورد علاقه خود در عراق را بطور دموکراتیک انتخاب کنند". یکی از این اسرائیلیها آقای بن الیزر است. این دست آورد "حماسه انتخاباتی" در عراق که هم مورد تائید آخوندهای با عمامه و بی عمامه جمهوری اسلامی، همه امپریالیستهای "متمدن"، سازمان مجاهدین خلق، کردهای ناسیونال شونیست، سلطنت طلبان ناسیونال

پیروزی مبارزه ملی مشروط به تأمین سرکردگی طبقه کارگر است

شکست در سیاست "تقلب در تقلب"

بدبختی در عراق حضور پیدا کرد با ترکیب آراءى مورد توافق وی علنی شد و معلوم گشت روحانیت شیعه همدست امپریالیست آمریکا در عراق انتخابات را با ۴۸ درصد آراء و با ۱۳۷ نماینده باخته است و به تنهائی هیچ غلطی نمیتواند بخورد. البته رسانه های گروهی از پیروزی شیعیان که گویا ۴۸ درصد آراء را بدست آورده اند سخن میرانند ولی ۴۸ درصد آراء اکثریت آراء نیست اقلیت آراء است. زیرا این روحانیت قادر نیست آنطور که مردم را فریب میداد در مقابل رای اکثریت کردها و ایاد علوی ها خواهان خروج امپریالیستها از خاک عراق شده و نخست وزیر مورد نظر خود را انتخاب کند. و با این نگرش حال اکثریت آراء در دست شیعیان دو دل و متزلزل نیست در دست اکراد و علوی های یکدل است. در این مانور انتخاباتی آنکه باخته است شیعیان عراق هستند و حال باید ننگ و خفت همکاری با آمریکا را بپذیرند. جمهوری اسلامی که دل فراوانی به نوکران شیعه خود در عراق بسته بود کاملاً بور شده است. عمال ایاد علوی توانسته اند در نتایج انتخابات تقلبی مجدداً تقلب کنند تا اکثریت مطلق با شیعیان نشود. این پرده اول نمایشنامه انتخابات تقلبی بود. ولی در زمانی که اکثریت مردم عراق در انتخابات شرکت نکرده اند و مبارزه انقلابی مردم عراق علیه قوای اشغالگر برای آزادی عراق و طرد استعمارگران ادامه دارد این تقلب جدید و رو شدن دست روحانیت شیعه که مشروعیت اشغال عراق را امضاء کرده است موجی از نارضایتی در میان شیعیان ایجاد خواهد کرد که به جبران کلاه گشادی که سرشان رفته است جبهه جنبش مقاومت را تقویت خواهند کرد. از هم اکنون نا موفقی و بی اراده گی و فلج بودن حکومت موقت روشن است و این امر فقط به نیروی مقاومت مردمی قدرت میدهد. خبرگزاری روسیه نووستی در ۲۰۰۵/۲/۱۸ تحت عنوان "سازش واجب است" اعلام کرد که "هیچکدام از این احزاب در مجلس اکثریت آراء را بدست نیاورده اند" و از این جهت کنار آمدن با یکدیگر را ضرور دانست. این خبرگزاری ولی اشاره کرد که مشکل بتوان وضعیت ثباتی در عراق با این ترکیب پارلمانی ایجاد کرد. نتایج انتخابات عراق باید ده روز پس از آن اعلام میشد ولی چون در پشت پرده بر سر نتایج آراء به توافق نرسیدند منظر شدند تا رامزفله به عراق بیاید و با توافق وی رای اکثریت مطلق شیعه را به اکثریت نسبی مجلس آتی تقلیل دهند. عادل الخیار کارشناس امور سیاسی در بغداد در "پیرامون این تاخیر در اعلام نتیجه انتخابات با لیخد پر معنا بیان داشت که در پس پرده بر سر اعلام... **بقیه در صفحه ۹**

"انتخاب کنندگان با شهامتی جمعی و با حضور گسترده غیرمنتظره خود پبای صندوقهای رای آمدند و دست ردی بر سینه تروریستها در یک اقدام جسورانه دسته جمعی زدند. انتخابات شاخص یک پیروزی تاریخی نبرد برای دموکراسی و نقطه عطفی برای عملیات خونین نظامی و طولانی آمریکا در هزاران فرسنگ دورتر از سرزمین آمریکا بود."

اشتباه کردید! این ادعا مربوط به انتخابات تقلبی عراق نیست، مربوط به ۳۷ سال پیش است و بر میگردد به انتخابات تقلبی آمریکانها در ویتنام جنوبی که مردمش در یک نبرد آزادیبخش آزادی خویش را با افتخار بدست آوردند و تودهنی مهمی به امپریالیست تروریست آمریکا زده و نقطه عطفی در تجاوز و دروغپردازی تروریست-امپریالیستهای "دموکرات و متمدن" در جنوب شرقی آسیا فراهم آوردند. افتخار بر خلق قهرمان ویتنام! مرگ بر تروریستهای امپریالیست آمریکا و متحدینش.

دو پرده نمایش

انتخابات تقلبی عراق با حمایت روحانیت شیعه در همکاری با امپریالیسم آمریکا به پایان رسید. همانگونه که انتظار میرفت امپریالیستها پس از اینکه امضاء درستی. انتخابات تقلبی را از روحانیت شیعه گرفتند و پس از اینکه در همکاری با جمهوری اسلامی و ارتجاع عراق و رسانه های امپریالیستی در بوق تبلیغاتی دمیدند که گویا در عراق اکثریت مردم در انتخابات شرکت کرده و انتخابات دموکراتیکی برگزار شده است، شیعیان پیرو سیستانی را به کلی بازی دادند، حال آنها باید رو دستی را که از امپریالیستها خورده اند با خفت بپذیرند در غیر این صورت آنها را متهم به جر زدن و ناتوانی برای قبول دموکراسی میکنند. شیعیان هوادر ایران فوراً پس از شمارش آراء اعلام کردند که آنها اکثریت مطلق آراء را از آن خود کرده اند. نتایج انتخابات قلابی عراق که علیرغم تقلبات بنا به گزارش بسیاری از خبرگزاریها جهان و از جمله آف پ AFP با ۱۴۰ نماینده با اکثریت مطلق آراء به نفع شیعیان به اتمام رسیده بود و آنها را صاحب مجلس دست نشانده عراق میکرد پس از سه روز تاخیر و نزاع پشت پرده و تهدید شیعیان و پس از مشورت با رامزفله که با

Workers of all country
unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 61 – April 2005

پیام کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست – لنینیست جهان به سومین کنگره حزب کار ایران (توفان)

دهمین نشست سراسری کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانهای مارکسیست – لنینیست جهان در اکوادور، از برگزاری سومین کنگره حزب کار ایران (توفان) بهمنابه پیشاهنگ رزمنده و انقلابی پرولتاریا در ایران بسیار مسرور شده و به کنگره شما درود میفرستد. احزاب و سازمانهای عضو کنفرانس امید دارند که این گردهمایی مهم کمونیستهای ایرانی بتواند – با تحلیل مسایل بغرنج در ایران امروز، با تحلیل مسایل منطقه خود و جهان بطور کلی – پیشرفت مارکسیسم – لنینیسم را تضمین کرده و در کار خود به نتایجی برسد که باعث تقویت حزب برادر ما گشته تا برای انقلاب و سوسیالیسم نیرومندتر گردد. قاطعیت رهبران حزب برادر ما (حزب کار ایران) و همه اعضاء این حزب بطور کلی، در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم و تجربه وافرشان در این... **بقیه در صفحه ۶**

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رستارشدن به یاری همه کمونیستهای صندق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ:20110022KontoNr.:573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany